





ویژه نامه شماره ۴

ضمیمه نشریه شماره ۸۶

۲۵ مرداد ۱۴۰۲



صاحب امتیاز: حزب اراده ملت ایران

مدیرمسئول: رحیم حمزه

سردبیر ویژه نامه: افشین فرهانچی

نشانی: خیابان اسکندری جنوبی، نرسیده به خیابان آزادی، بن بست خلیلی پلاک ۱ واحد ۱

تلفن: ۰۹۳۰۵۴۲۹۵۱۵/۰۲۱۶۶۵۶۳۳۰۶

فهرست:

- بخش اول: گزارش همایش تابستانی خانه احزاب ایران با عنوان انتخابات و احزاب..... ۳
- احزاب ایران، فرزند خوانده های دوست نداشتنی..... ۴
- در همایش تابستانی خانه احزاب چه گذشت؟..... ۸
- کلاه خانه احزاب پشمی ندارد (الیاس حضرتی)..... ۱۰
- جامعه تغییر می خواهد، این روند مورد تایید اکثریت جامعه نیست (حسین نورانی نژاد)..... ۱۱
- منافع ملی نظام یا منافع ملی مردم! (غلامرضا کریمی)..... ۱۲
- فضای سیاسی شاهد هیچ کشایشی نبود (سیدعلی آقازاده)..... ۱۳
- کسی جرئت نمی کند به حزب بیاید (احمد محبی شولمی)..... ۱۴
- احزاب در ایران جایگاهی ندارند (حجت الاسلام حسینی)..... ۱۵
- حکمرانی حزبی و انتخابات..... ۱۶
- بخش دوم: وضعیت احزاب در ایران..... ۱۷
- تصویری از وضعیت احزاب در ایران..... ۱۸
- حاکمیت تقریباً خالی از احزاب است (گفتگو با قائم مقام حزب اراده ملت ایران)..... ۲۰

دیباچه

نمایندگان حزب صحبت نموده بودند در این جلسه ترجیح دادند شنونده باشند.

خبرنگار افتخاری نشریه اراده ملت، سرکار خانم فائزه صدر نیز در این همایش حضور داشتند و گزارش های جالبی از این همایش برای نشریه تهیه نمودند.

مصاحبه مفصل و طولانی افشین فرهانچی قائم مقام دبیرکل حزب اراده ملت ایران نیز بخش دیگری از این ویژه نامه را تشکیل می دهد که به مباحث مختلفی پیرامون وضعیت احزاب در ایران می پردازد. این مصاحبه در اواخر خرداد ماه امسال با نسیم آنالین صورت گرفته است.

چهارمین ویژه نامه نشریه اراده ملت را تخصیص داده ایم به آخرین وضعیت رابطه احزاب با مسئله انتخابات. تابستان امسال همایشی به میزبانی خانه احزاب ایران در وزارت کشور برگزار گردید و در آن نمایندگان احزاب مختلف به ارائه دیدگاه های خود در این زمینه پرداختند. متأسفانه در این همایش به جز مالک شریعتی نماینده مجلس و عضو کمیسیون ماده ده احزاب و مسئول دبیرخانه کمیسیون فرد دیگری از مسئولین وزارت کشور در جلسه حضور نداشتند. در این همایش احمد حکیمی پور و چند تن دیگر از اعضا ارشد حزب اراده ملت حضور داشتند اما با توجه به اینکه در دو نشست قبلی

بخش اول

دبیرکل حزب نیز سخنرانی نمودند که مشروح صحبت‌های ایشان در شماره ۶۱ نشریه اراده ملت منعکس گردید.

تابستان امسال (۱۴۰۲) نیز مجدداً شاهد برگزاری همایشی در باب انتخابات از سوی خانه احزاب با عنوان "احزاب و انتخابات" بودیم. در این همایش دبیرکل حزب اراده ملت ایران و تعدادی از اعضا ارشد حزب نیز حضور داشتند. اما به‌طور رسمی کسی از حزب در این همایش صحبت نکرد.

در این بخش ابتدا گزارش فائزه صدر از همایش اخیر را می‌خوانیم، سپس خلاصه‌ای از صحبت‌های مسئولین همایش را به نقل از خبرگزاری فارس آورده‌ایم. در ادامه سخنرانی ۶ نفر از مدعوین و یادداشتی کوتاه از علی مجدم را قرار داده‌ایم.

در دور جدید خانه احزاب و به سیاق دوره‌های قبل، همایش‌ها و نشست‌های فصلی برگزار می‌گردد تا در آنها مسائل مختلف مورد توجه احزاب، مورد بحث و تبادل نظر قرار گیرد.

در زمستان ۱۴۰۱ همایشی با عنوان "آسیب‌شناسی دو انتخابات اخیر در جمهوری اسلامی ایران" برگزار شد و در حضور وزیر کشور احزاب به بیان دیدگاه‌های خود پرداختند. در این نشست نمایندگان از حزب اراده ملت ایران حضور داشتند و گزارش مبسوط از این همایش در شماره ۵۷ نشریه اراده ملت با قلم فاطمه قدم آمده است.

در بهار ۱۴۰۲ نیز نشست با وزیر کشور و معاون سیاسی ایشان برگزار شد و مجدداً احزاب در باب انتخابات و اصلاح قانون آن صحبت‌های خود را مطرح کردند. در این نشست احمد حکیمی‌پور



دو هفته نامه غیربرخط اراده ملت

ویژه نامه انتخابات و احزاب

ویژه نامه شماره ۴

ضمیمه نشریه ۶۸

۲۵ مرداد ماه سال ۱۴۰۲



دو هفته نامه غیربرخط
اراده ملت

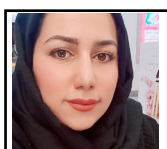
ویژه نامه
انتخابات و احزاب

ویژه نامه شماره ۴

ضمیمه نشریه ۶۸

۲۵ مرداد ماه سال ۱۴۰۲

احزاب ایران، فرزند خوانده‌های دوست نداشتنی



فائزه صدر

Facehsadr7@gmail.com



تعداد هستند، سر هر دو راهی چند مهمان هاج و واج منتظر بلد راهی بودند تا ورودی سالن را نشان شان بدهد. معمولاً هم کسی پیدا نمی‌شد و مهمانانی که راه را می‌شناختند بقیه را راهنمایی می‌کردند. شاید کسی مثل آقای کواکبیان که سال‌ها این مسیر را رفته و برگشته یا آقای متکی که راننده‌اش، ایشان را تا نزدیک‌ترین ورودی ماشین‌رو، مشایعت می‌کند؛ چشم بسته تا سالن اجتماعات بروند، ولی مهمانان شهرستانی این جلسه تا پیدا کردن مسیر منتهی به سالن، برای دقایقی در پیاده‌راه‌های بین شمشاد‌های محوطه و در دو راهی‌های ضلع شرقی ساختمان عظیم وزارت کشور سرگردان بودند. استقبال و برخورد از لحظات اول به گونه‌ای بود که گویی این جماعت حزب باز و صله‌نچسبی در عالم سیاست هستند و به‌زور تحمل می‌شوند. انگار نه انگار که اعضای احزاب به ذات کمک حال حاکمیت‌اند. این آدم‌ها، نیروهای سخت‌کوش، فداکار با ارزش‌هایی عمیق هستند و خود خواسته وظایف سنگینی را بر عهده گرفته‌اند. قبل از ورود به سالن مرد جوانی با استایل فراگیر کارکنان دولت

والدین من زود دنیا عوض کردند. با زندگی در منازل که از روح خانه پدری خالی است، حس عدم تعلق را شناختم. صبح روز پنجشنبه، ۲۲ تیر، نشست خانه احزاب در وزارت کشور؛ پس از سال‌ها حس تلخ تعلق نداشتن و احساساتی را که به تبع‌اش ایجاد می‌شود، برایم زنده کرد. این جلسه که با دعوت از نمایندگان احزاب با موضوع "انتخابات مجلس در سال جاری" برگزار شد؛ فضای سردی داشت و از آغاز تا پایان، رد و اثری از پذیرش احزاب توسط حاکمیت به خود ندید. شرکت کنندگان که اعضای تایید شده و رزومه دار احزاب قانونی کشور بودند، در بدو ورود به ساختمان از دو گیت بازرسی می‌گذشتند و برخی از وسایلی که به همراه داشتند از جمله فندک، دوربین یا تبلت به امانت داری سپرده می‌شد. از بازرسی تا ورودی سالن اجتماعات، مسیری پر پیچ و خمی پیش رو بود که میزبان در هیچ نقطه‌ای به اندازه چسباندن یک کاغذ A۴ به دیواری، مهمانانش را راهنمایی نکرده بود. در ساعت ۸ صبح روز پنجشنبه که کارکنان وزارت کشور در حداقل

عموم کسانی که پشت تربیون قرار گرفتند، درباره مشکلات حزبی حرف می‌زدند و در کمتر نطقی با نگاهی آسیب شناسانه و معطوف به راه حل به موضوع انتخابات پرداخته شد.

بیشتر سخنرانان گلایه داشتند که انتخاباتشان برای ارائه نطق در این جلسه، صبح همان روز توسط پیامک به ایشان اطلاع داده شده و نتوانسته‌اند با آمادگی و اشراف نسبت به موضوع در جلسه حاضر شوند. وزارت کشور به همین مقدار هم گوش شنوایی برای نطق‌ها نفرستاده بود. ردیف اول سالن ۶۰۰ نفری وزارت کشور از مسئولین رده بالای این مجموعه خالی بود.

ردیف‌های بعدی پر بود از شخصیت‌های احزاب، چهره‌هایی که سال‌های گذشته در دولت، مجلس، شوراها و یا سایر بخش‌های

(ته‌ریش، کت‌شلوار، اضافه وزن و اخم ابدی) به من گفت ورود خبرنگاران مجاز نیست و در صورت عضویت در حزب و حضور در نشست؛ اجازه عکاسی، فیلمبرداری و تهیه خبر نخواهیم داشت.

از لحظه اول می‌شد فهمید چنین دستوری بیش از اینکه تکلیفی قانونی و بالادستی باشد، یک تشر سلیقه‌ای است. همان طور که اجرای آن بعد از شروع جلسه هرگز پیگیری نشد و فصول مختلف نشست توسط حاضران با دوربین گوشی فیلمبرداری شد و اخبار مربوط به نشست نیز در روزهای آتی منتشر شد.

نهادهای حاکمیتی بر خلاف آنچه که در ظاهر گفته می‌شود، در باطن از شفافیت و ابزار آن یعنی رسانه و خبرنگارانش هراس دارند. کارکنان این مجموعه‌ها با این نگاه تربیت می‌شوند و بدون هیچ توصیه و تکلیفی از جانب مدیرانشان؛ برخورد با خبرنگار و کارشکنی در تهیه خبر و گزارش را در هر زمان و مکانی وظیفه خود می‌دانند. در روز نشست اگر چه فضا از حس پذیرش احزاب خالی بود، ولی با حس مالکیت وزارت کشور بر احزاب، اشباع شده بود!

نشست خانه احزاب مثل عموم جلسات با تأخیر قابل توجهی شروع شد. منوچهر متکی رئیس خانه احزاب بعد از شروع جلسه وارد سالن شد و تا زمانی که وقت نطق‌اش نرسیده بود، روی سن در جایگاه مخصوص به خودش نشست و در گفت و گو‌ها مشارکتی نکرد. متکی جز یکی دو بار که از بالای عینک نگاه معناداری به نقاط مشخصی در سالن انداخت، تقریباً در باقی تایم نشست ترجیح داد نگاهش را بر صفحه گوشی‌اش محدود کند.

نهادهای حاکمیتی بر خلاف آنچه که در ظاهر گفته می‌شود، در باطن از شفافیت و ابزار آن یعنی رسانه و خبرنگارانش هراس دارند.

جلسه را مصطفی کواکبیان به شیوه یکی به میخ و یکی به نعل، اداره می‌کرد. نمایندگان منتخب از سه طیف سیاسی کشور به ترتیب دعوت می‌شدند تا در ۵ دقیقه دیدگاه‌های مجموعه خود را در رابطه با موضوع نشست بیان کنند. جز یکی از نمایندگان، بقیه بالای ۵ دقیقه صحبت کردند.

اما احزاب هنوز روی پله اول و در دوراهی تعلقی داشتن یا پذیرفته نشدن توسط حاکمیت ایستاده‌اند.

حاکمیتی مقام و مسئولیتی داشتند و امروز تنها راه ارتباط عملی و مؤثر با نظام را در حضور مستمر و اداره احزاب جست و جو می‌کنند. احساس تعلقی داشتن، می‌تواند این افراد را نسبت به مسائل کشور بیش از پیش مسئولیت‌پذیر کند تا در هنگامه بحران و چالش در کنار دولت و وزارت کشور باشند. اما احزاب هنوز روی پله اول و در دوراهی تعلقی داشتن یا پذیرفته نشدن توسط حاکمیت ایستاده‌اند. استقبالی از احزاب و فعالیت‌های حزبی وجود ندارد تا این ظرفیت سنگین از تجربه پله‌ای بالاتر بیاید.

عموما ادبیات امروز اعضای احزاب متفاوت از کلامی است که پیش از این و در ایام پشت میز نشینی داشتند. ادبیات جدید چندان مطلوب حاکمیت نیست.

در این بین می‌شود فهمید که فعالیت برخی شخصیت‌ها در احزاب، به جبران کنار گذاشته شدن از سمت‌های دولتی و ناکامی در انتخابات است به این امید که بستر فعالیت حزبی پلی شود برای حضور مجدد در قدرت. از این رو می‌شود بی توجهی وزارت کشور به احزاب و سنگ اندازی پیش پای این مجموعه‌ها را ناشی از همین ادراک و



دو هفته نامه غیربرخط
اراده ملت

**ویژه نامه
انتخابات و احزاب**

ویژه نامه شماره ۴

ضمیمه نشریه ۶۸

۲۵ مرداد ماه سال ۱۴۰۲

دریافت‌های مشابه دانست.

وقتی حاکمیت پرونده شخصیتی را بست، دیگر به مغضوب اجازه نمی‌دهد که خود را بخشی جزئی از قدرتی بزرگ‌تر تصور کند. وقتی با این نگاه در نشست احزاب دقیق می‌شدم، افرادی را می‌دیدم که بیشترشان از منظر حاکمیت زیادی هستند!

شنیدن نطق‌ها در این جلسه به من ثابت کرد، اصول‌گرایان تندرو با هر نقاب مقبولی که به چهره می‌زنند باز هم در فضای سیاسی کشور جذابیتهایی ندارند. نطق این آقایان عموماً با نادیده گرفتن حقوق

افراد همراه بود

تعابیر وارونه از خواسته‌های جامعه، اتهام زنی به اصلاح‌طلبان و توهین کلامی در نطق‌شان به‌وفور شنیده می‌شد. تاجاییکه برخی از حاضرین را با وجود پختگی و تجربه حضور در چنین جلساتی، وادار به پاسخ‌گویی خارج از چهارچوب کرد. در چند نوبت برای چند لحظه نظم جلسه به هم خورد.

به شهادت نطق‌های اصول‌گرایان تندرو؛ از نظر این طیف، منتقدین به قانون اساسی و کسانی که خواستار بازبینی و اصلاح قانون هستند، ضد انقلاب، ضد نظام و براندازند. به عقیده این آقایان اظهار بی میلی نسبت به شرکت در انتخابات، نه تنها اظهار نظری در چهارچوب حق آزادی بیان نیست، بلکه حزب چنین فردی نیز باید منحل شود!

برخی از اصول‌گرایانی که پشت تریبون قرار گرفتند با اشاره به التهابات ماه‌های گذشته ضمن پاک کردن صورت مساله، اصلاح طلبانی را که سمت مردم ایستاده بودند با براندازان و دشمنان انقلاب یکی کردند و همانجا فی الفور حکم صادر کردند.

از نظر این جماعت حتی انتقاد از طعم بستنی میهن هم می‌تواند مصداق تبلیغ علیه نظام باشد! کمتر کسی می‌تواند شنونده نطق یک اصولگرای تندرو باشد و به این فکر نکند که با حضور این طیف در قدرت، حساب اندک انتقادی با کرام‌الکاتبین است.

گوی احزاب فرزندان ناخواسته پدری مستبد هستند که بنا ندارد اقتدارش را فدای مشورت با اولاد کند.





دو هفته نامه غیربرخط
اراده ملت

ویژه نامه
انتخابات و احزاب

ویژه نامه شماره ۴

ضمیمه نشریه ۶۸

۲۵ مرداد ماه سال ۱۴۰۲

داخل مجموعه‌ها، چه امیدی است به اثرگذاری این بخش بر حاکمیت و جامعه؟!

در هیچ یک از لحظات آن جلسه طولانی سیگنالی مبنی بر پذیرش احزاب در حاکمیت دریافت نکردم. انتخابات بی رونق برای جناح حاکم در کشور دستاورد داشت. حضور در قدرت زیر زبان آقایان مزه کرده است. در این سوء هر چه از نقش احزاب در جمهور بگوییم پنبه از گوش آقایان بیرون نمی‌رود.

نشست به پایان رسید و برای دقایقی گندهایی در گوشه‌هایی از سالن تشکیل شد. هیچ فردی که امکان نقد را پیش بینی کرده باشد یا میزان رضایت از جلسه را ارزیابی کند، توزیع نشده بود.

باز هم بعضی از شرکت کنندگان بین راهروها و در محوطه دنبال راه خروج می‌گشتند. با اشتیاق و پر امید آمده بودیم، گنگ و پر ابهام رفتیم. برخوردها جوری بود که گویی نبود احزاب چالش هایشان را کمتر می‌کند. پیداست عده‌ای به درستی دریافته‌اند که کارکرد احزاب، مخالف با اقتدارگرایی، انحصار طلبی و بیکه تازی ذاتی قدرت است.

منتظر همکارم بودم، گربه وزارت کشور پشت در بازرسی زائیده بود. نگهبان آمد که تذکر بدهد اجازه فیلمبرداری نداریم. گربه به دو بچه شیر می‌داد و سه تا دیگر زیر تیزی آفتاب رها شده بودند. نگهبان گفت: "مادر سه بچه گربه دیگر را نمی‌خواهد."

نشست خانه احزاب در وزارت کشور، جلسه‌ای مردانه بود. تعداد زنان حاضر در این برنامه آن قدر کم بود که نمی‌توانم درصدی برای مشارکت آنها تعیین کنم. تنها زنی که روی سن رفت و نطق خود را ارائه داد معصومه آقاپور، عضو حزب مردم‌سالاری از فراکسیون اصلاح طلبان و هم حزبی آقای کواکبیان بود.

نبود مقاماتی از دولت، مجلس و مقامات ارشد وزارت کشور، نشست خانه احزاب را از حس مقبولیت خالی کرده بود. گویی احزاب فرزندان ناخواسته پدری مستبد هستند که بنا ندارد اقتدارش را فدای مشورت با اولاد کند. نمایندگان چند حزب از میان بی‌شمار احزاب کشور پشت تریبون قرار گرفتند و بین خودشان، از مشکلات خودشان، برای خودشان گفتند و خودشان هم شنیدند! بی آنکه صدای آنها راهی به مراکز تصمیم‌گیر داشته‌باشد.

حتی آن کارمند وزارت کشور که در ابتدای جلسه حضور خبرنگاران را رصد می‌کرد تا محدودیت‌هایمان را به ما یادآور شود، از نیمه جلسه به بعد ناپدید شد. پیداست وزارت کشور کارهایی مهم‌تر از گوش دادن به ناله‌های حلقه‌های واسط بین مردم و حاکمیت دارد. افسوس بر این نادیده گرفته شدن چرا که ظرفیت بزرگی به هیچ گرفته شده‌است.

خانه احزاب جمعیت‌های پراکنده‌ای را ساماندهی می‌کند که نه پشت دارند و نه مشت. با این همه درد، مشکل و حرف نگفته و شنیده نشده در

در همایش تابستانی خانه احزاب چه گذشت؟

که عامه مردم رعایت حجاب و حدود الهی را قبول دارند. وی از اینکه برخی حتی ضد قانون اساسی صحبت می کنند، افزود: چرا باید فرصت های احیا و تکمیل ظرفیت های قانون اساسی را از دست بدهیم. مثلاً اصل ۵۹ قانون اساسی که همه پرسى است و مجلس شورای اسلامی می تواند تصمیم گیری را به خود مردم واگذار کند اما این اصل اجرا نمی شود زیرا برخی به بهانه این اصل می خواهند خواسته ای که از بیرون کشور دیکته می شود، پیگیری می کنند تا اصل نظام، انقلاب و قانون اساسی را به همه پرسى بگذارند. شریعتی با تأکید بر اینکه همه احزاب باید مردم را به مشارکت در انتخابات دعوت کنند، تصویب انتخابات تناسبی را گامی در این راستا دانست که البته با همراهی احزاب مواجه نشد. این نماینده مجلس افزود: انتخابات تناسبی به تضمین چندصدایی در مجلس کمک می کند.

تمام پیام های یک جریان با سابقه در طول ۱۰ ماه گذشته، ضد حجاب بوده

دومین همایش فصلی خانه احزاب ایران، صبح پنجشنبه (۲۲ تیرماه) در سالن اجتماعات وزارت کشور و با حضور دبیران کل و معاونان احزاب و چهره های سیاسی برگزار شد.

ابتدا سخنرانان حزبی از سه فراکسیون خانه احزاب به ارائه دیدگاه های خود پرداختند که سخنرانی ۶ نفر از ایشان را که توسط فائزه صدر تهیه شده است در بخش های بعدی همین ویژه نامه خواهید خواند و در ادامه مسئولان خانه احزاب و مالک شریعتی عضو کمیسیون ماده ده احزاب دیدگاه های خود را مطرح نمودند. در این بخش صحبت های مسئولان خانه احزاب و نماینده کمیسیون ماده ده به نقل از خبرگزاری فارس میخوانیم.

احزاب خود برخی اصول را در انتخابات رعایت کنند

مالک شریعتی نماینده مردم تهران در مجلس وظیفه احزاب را پیگیری خواسته های آحاد مردم دانست و با بیان اینکه خواست مردم تبعیت از دین و ضد فساد بودن است، افزود: با این وجود متأسفانه برخی از احزاب، خودشان می دانند که چه پیام هایی را با جامعه تبادل می کنند.

عضو کمیسیون ماده ۱۰ احزاب با بیان اینکه تمام پیام های یک جریان با سابقه در طول ۱۰ ماه گذشته، ضد حجاب بوده که نزدیک به جریان برانداز و کسانی است که قانون اساسی، حاکمیت اسلام و شیعه را کنار می گذارند، افزود: این درحالیست



دو هفته نامه غیربرخط اراده ملت

ویژه نامه انتخابات و احزاب

ویژه نامه شماره ۴

ضمیمه نشریه ۶۸

۲۵ مرداد ماه سال ۱۴۰۲



که در لیست‌های انتخاباتی خود سلیقه‌های مختلف را در نظر بگیرند تا وقتی مردم پای صندوق‌های رأی می‌آیند و به لیست نامزدها نگاه می‌کنند سلیقه‌های خود را در لیست ببینند.

توصیه دیگر رئیس خانه احزاب ایران، این بود که اگر فردی صلاحیت لازم را در درون حزب ندارد، به مردم معرفی نشود.

متکی همچنین با انتقاد از تخصیص نیافتن بودجه به احزاب در قانون بودجه امسال گفت: اگر یارانه یک حق برای احزاب و یک تکلیف برای بودجه‌ریزان است، نمی‌شود یک سال اختصاص یابد و یک سال دیگر نداشته باشیم. رئیس خانه احزاب ایران در پایان از معاون سیاسی وزارت کشور قدرانی و بر ضرورت حمایت بیشتر وزارت کشور از احزاب تأکید کرد.

نظام مردم‌سالاری بدون انتخابات معنا ندارد

دبیر کل حزب مردم‌سالاری با تأکید بر اینکه هیچ نظام مردم‌سالاری بدون انتخابات معنا ندارد، گفت: انتخابات لازمه هر نظام دموکراتیک، رقابت ضرورت این انتخابات و حزب پیش‌نیاز رقابت است. مصطفی کواکبیان در پایان همایش و در جمع‌بندی جلسه گفت: از مجموع احزاب کشور ۷۳ حزب در این همایش شرکت کردند.

اگر احزاب جدی گرفته نشوند، رقابت بی‌خاصیت شده و در پی آن انتخابات و مردم‌سالاری بی‌خاصیت خواهند شد.

عضو خانه احزاب، یاد حسن غفوری فرد عضو فقید این نهاد را گرامی داشت و وی را از بزرگان خانه احزاب دانست و از رهبر معظم انقلاب درخواست کرد که دیداری هم با شخصیت‌های حزبی داشته باشند.

وی در تذکراتی عنوان کرد: در این جلسه قرار نبود مشکلات کلان مطرح شود و برخی مباحث مطرح شده چندان ربطی به موضوع نداشت.

کواکبیان تصریح کرد: فصل مشترک بحث‌ها استقبال از هر اقدامی بود که موجب افزایش مشارکت شود. همه خواهان سربلندی نظام هستند و نباید اقدامی در راستای مأیوس شدن مردم انجام دهیم و اعتماد آنها را خدشه‌دار کنیم.

دبیر کل حزب مردم‌سالاری افزود: اصلاح قانون نظام انتخاباتی هم مورد توجه سخنرانان بود و تأکید شد که این قانون باید طرفدار افزایش مشارکت مردم باشد. وی موضوع دیگر را رفع موانع مشارکت مردم مانند مشکلات معیشتی و اقتصادی دانست و گفت: در جهت برطرف کردن این موانع باید اقدامات اساسی انجام شود.

کواکبیان خاطرنشان کرد: شورای نگهبان باید با نگاه به دیدگاه رهبری مبنی بر مشارکت حداکثری مردم، برخی نگاه‌های سلیقه‌ای را در برخی از شهرستان‌ها مدیریت کند تا مشارکت افزایش یابد.

وی تأکید کرد: هیچ نظام مردم‌سالاری بدون انتخابات معنا ندارد و همه گروه‌ها از اصلاح طلب و اصولگرا خواهان مشارکت حداکثری هستند.

کواکبیان در پایان گفت: انتخابات لازمه هر نظام دموکراتیک و رقابت هم لازمه هر انتخابات است و حزب لازمه رقابت است. اگر احزاب جدی گرفته نشوند، رقابت بی‌خاصیت شده و در پی آن انتخابات و مردم‌سالاری بی‌خاصیت خواهند شد.

شریعتی به احزاب توصیه کرد که بهتر است به جای شورای نگهبان، خود احزاب برخی از اصول را برای حضور در انتخابات رعایت کنند به طوری که اگر کسی فساد اخلاقی، اقتصادی، امنیتی و سیاسی دارد، مانع از ورود او به عرصه انتخابات شوند.

خانه احزاب مدافع حقوق اعضا باشد

جعفر خداعلی‌زاده بازرس خانه احزاب ایران با بیان اینکه اصل ششم قانون اساسی نظام انتخاباتی کشور را بر پایه ۲ ستون در نظر گرفته که یکی انتخابات و دیگری همه‌پرسی است، خواستار توجه بیشتر به اصول مرتبط با حقوق ملت در قانون اساسی شد تا مشارکت در انتخابات افزایش یابد.

عضو فراکسیون مستقلین و اعتدال‌گرایان و دبیر کل حزب مجمع مشارکت اسلامی جوانان با انتقاد از خانه احزاب خواست که یارانه بلوکه شده احزاب را به خودشان اختصاص و بودجه مورد نیاز احزاب را برای برگزاری انتخابات مجلس دوازدهم در اختیار آنها قرار دهد.

خداعلی‌زاده خواستار آن شد که خانه احزاب مدافع حقوق اعضای خود باشد و در این ارتباط توضیح داد: امروز در آستانه انتخابات دوازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی و دوره هفتم مجلس خبرگان رهبری، نیاز است که احزاب بودجه داشته باشند و بتوانند همایش‌های خود را برگزار کنند.

نقش احزاب در ساختار سیاسی کشور تعریف نشده است

رئیس خانه احزاب ایران نیز در این نشست با بیان اینکه نقش احزاب در ساختار سیاسی کشور تعریف نشده است، اظهار داشت: مقام معظم رهبری سال‌ها پیش بیان کردند که می‌توانیم جایگاه‌های مختلفی برای احزاب سیاسی کشور داشته باشیم؛ از این رو مناسب است نظام کارگروهی را برای بازتعریف فرمایشات ایشان تعیین کند.

منوچهر متکی وظیفه احزاب را فراهم کردن زمینه‌ای برای اجرای نگاه رهبر انقلاب به موضوع تحزب دانست.

وی با بیان اینکه احزاب می‌توانند در محدوده‌ای که قانون اساسی تعیین کرده است، فعالیت کنند، ادامه داد: احزاب یک وظیفه قانونی دارند اما چون در ساختار سیاسی نیستند، دولت‌ها توجهی به حرف‌های احزاب ندارند.

رئیس خانه احزاب ایران از ایام انتخابات به عنوان بهار فعالیت‌های حزبی یاد کرد و گفت: احزاب باید در کار تشکیلاتی خود به طور مداوم فعالیت کنند.

برخی از احزاب مردم را به شرکت نکردن در انتخابات ترغیب می‌کنند

متکی از اینکه برخی از احزاب مردم را به شرکت نکردن در انتخابات ترغیب می‌کنند گفت: برخی احزاب انتخابات را تحریم می‌کنند و به مردم می‌گویند در انتخابات شرکت نکنید که با این کار فلسفه وجودی خود را زیر سؤال می‌برند.

رئیس خانه احزاب ایران تصریح کرد: مجوز حزبی که انتخابات را تحریم می‌کند و یا مردم را به عدم شرکت در انتخابات فرا می‌خواند باید از سوی مسئولان مورد تجدیدنظر قرار گیرد.

متکی درباره تهیه فهرست‌های انتخاباتی نیز این نکته را به احزاب یادآور شد



دو هفته نامه غیربرخط اراده ملت

ویژه نامه انتخابات و احزاب

ویژه نامه شماره ۴

ضمیمه نشریه ۶۸

۲۵ مرداد ماه سال ۱۴۰۲



دو هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

ویژه نامه انتخابات و احزاب

ویژه نامه شماره ۴

ضمیمه نشریه ۶۸

۲۵ مرداد ماه سال ۱۴۰۲

سخنرانی الیاس حضرتی، دبیر کل حزب اعتماد ملی، عضو فراکسیون اصلاح طلبان خانه احزاب

کلاه خانه احزاب پشمی ندارد



ممنون که جلسه‌ای تشکیل دادید ولی نه وزیر کشور شرف حضور دارد و نه معاون سیاسی‌اش و همین نشان می‌دهد که کلاه خانه احزاب پشمی ندارد. از این بابت باید گله کرد.

بی شک مهم‌ترین و یا یکی از مهم‌ترین دستاوردهای انقلاب بزرگ ما انتخابات بود. انقلاب یکی از منابع و منشأ مشروعیت و مقبولیت خودش را از رأی مردم می‌گیرد. قدرت، توانایی، شور و نشاط‌اش را از انتخابات می‌گیرد.

آنچه که نظام جمهوری اسلامی را با قبل از انقلاب ممتاز و متمایز کرد، انتخابات بود که در آن دوره انتخابات تشریفاتی بود و از بالا دستور می‌دادند چه کسی باید از صندوق بیرون بیاید.

در سال اول انقلاب پنج انتخابات برگزار شد که هر یکی باشکوه‌تر از دیگری بود. هر چه جلوتر آمدیم دیدیم که آنچه برای ما امنیت ایجاد کرده و در برابر تهاجم دشمنان سپر امنیتی است، حضور مردم است که از طریق انتخابات و با تصویر انتخابات به دنیا مخابره می‌شود.

به افغانستان حمله نظامی شد. به عراق حمله نظامی شد ولی درباره ایران نتوانستند نه اینکه نخواستند زیرا ما تصاویر زیبایی از انتخابات را به دنیا مخابره می‌کردیم که مردم ما پای کار هستند.

متأسفانه با گذشت زمان و به امروز زمان کج سلیقه‌گی‌های وحشتناکی شروع شد و به سمتی رفتند که انتخابات را مدیریت کنیم. در زمان‌های مختلفی که مدیریت کردند مردم احساس کردند به نقش‌شان توجه نمی‌شود.

اینکه همه ارکان نظام قدرت را از طریق انتخابات از مردم بگیرند لحظه به لحظه کم و کمتر می‌شود. هر جا که با وجود نظارت استصوابی حوصله به خرج دادیم، باز مردم به صحنه آمدند.

انتخابات ۹۸ مجلس و انتخابات ۱۴۰۰ جزو بدترین صفحه‌های تاریخ انقلاب اسلامی است. ما انتخابات را از اعتبار انداختیم. انتخابات را در این دو دوره بلا موضوع کردیم.

وقتی امور از طریق انتخابات حل نشود افراد به بن بست می‌خورند و مجبور هستند مشکلات را از طرق دیگر حل کنند. کارگران و معلمان و... به خیابان می‌آیند و حوادثی نظیر حوادث سال قبل پیش بیاید که براننده انقلاب اسلامی نیست.

می‌گویند در فلان کشور است و اینجا چرا نباشد! ولی انقلاب اسلامی برای این

چیزها نبود! انقلاب برای مردم بود تا بتوان به راحتی با مردم صحبت کرد و مردم راحت زندگی کنند و در تصمیمات اصلی نقش آفرینی کنند.

ما با یک فرصت مواجهیم. الحمدلله کشور از تلاطماتی سیاسی بیرون آمده است. در کنار ما کشور ترکیه که کشور کودتا و کشور نظامیان بود توانسته مراحل را طی کند و با انتخابات بالای ۸۰ درصد تصویر و پرچمی را در کنار ما علم کند و متأسفانه ما افت کرده‌ایم و به ۴۳ و ۴۹ درصد مشارکت رسیده‌ایم.

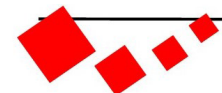
فرصتی تاریخی پیش رو است و اصحاب قدرت و سیاست اینجا در کنار هم نشستند. البته همه شما و ما بی قدرت شده‌ایم که به خاطر همه این تنگ‌نظری‌ها است و حزب نقش و جایگاهی ندارد.

سه رکن وجود دارد: حکومت، مردم و کنشگران سیاسی. از سال ۱۳۹۸ به این سوء نگاه حکومت به انتخابات پر رنگ نشده و شاید کم‌رنگ‌تر هم شده باشد.

یک فرصت در اسفند ماه در پیش داریم کاری کنیم که همه به آن اساس و اصول برگردیم و دوباره با مردم آشتی کنیم و با مردم صحبت کنیم و اگر دلخوری و گله مندی دارند به آنها بگوییم که مشکلات قابل حل است.

ما امروز به شدت آسیب‌پذیر هستیم. آیا حکومت می‌خواهد تغییر رویکرد بدهد؟ رهبر معظم در ابتدای سال اعلام کردند که می‌خواهیم انتخاباتی سالم و رقابتی برگزار کنیم ولی از وزارت کشور یک صدا شنیده شد که می‌گفت مشارکت ۶۰ درصدی می‌خواهیم! چرا ۶۰ درصدی؟ اگر می‌خواهید به اصل انقلاب اسلامی برگردید مشارکت ۸۰ و ۹۰ درصدی بخواهید. مشارکت در ذات انقلاب اسلامی بالای ۹۰ درصد است.

انتخابات ۹۸ مجلس و انتخابات ۱۴۰۰ جزو بدترین صفحه‌های تاریخ انقلاب اسلامی است



گیرم که می‌خواهید مشارکت ۶۰ درصدی بگیرید، با کدام ابزار و در کدام فضا و با کدام روحیه؟! از حکومت و شورای نگهبان و وزارت کشور و بقیه ارکان، هیچ علائم و دود سفیدی بیرون نیامده است. منتظر صحبت‌های رهبری هستیم تا ببینیم حضرت آقا چه می‌گویند؟!

از طرف مردم هیچ نگاه مثبتی دیده نمی‌شود و وضعیت در بهترین حالت همان وضعیت ۱۳۹۸ است. شرایط بدتر شده و گلایه‌ها و انباشت مشکلات زیاد شده است.

مردم برای انتخابات روزشماری نمی‌کنند. کنشگران سیاسی سرخورده‌اند. بذر ناامیدی همه جا پاشیده چون می‌خواستیم حکومتی یک دست درست کنیم. نشاط و انگیزه‌ای وجود ندارد. همه ما در وضع موجود مقصر هستیم. وزیر کشور و معاون سیاسی باید اینجا می‌نشستند و تدبیری می‌اندیشیدیم تا ببینیم باید چه خاکی بر سرمان بریزیم؟!

اگر با همین فرمان به سمت انتخابات برویم، انتخاباتی بی روح و بی رمق با مشارکت بسیار کم به شکل یک آبروریزی تاریخی خواهیم داشت و مشکلات سر باز می‌زند و بدتر خواهد شد.

سخنرانی حسین نورانی نژاد، قائم مقام دبیر کل حزب اتحاد ملت، عضو فراکسیون اصلاح طلبان خانه احزاب

جامعه تغییر می خواهد این روند مورد تایید اکثریت جامعه نیست



دارند. این به چه دلیلی است؟ آیا کسانی که وارد سیاست می شوند آدم های بدی هستند؟ آدم های کم هوش و تنبلی هستند؟ چرا دستاوردی که در حوزه هسته ای و موشک یا حوزه ورزشی داریم چرا در مورد سیاست نداریم؟! آیا آدم های تنبل جامعه وارد حوزه سیاست شده اند؟

این وضعیت نشان می دهد که ما در حوزه سیاست مشکل ساختاری داریم که یا برای نیروهای با کیفیت جذابیت ندارد و یا نیروهای با کیفیت نمی توانند کیفیت خود را بروز و ظهور بدهند.

راه های مؤثر برای باشکوه کردن انتخابات پیش رو اهمیت دارد. احزابی مثل اتحاد ملت به طرفداری از تحریم انتخابات متهم می شوند. ما به عنوان حزبی دموکراسی خواه پناهی جز انتخابات نداریم. مگر می شود دموکراسی را غیر از مسیر انتخابات پیش برد.

گفته می شود شرکت در انتخابات عمل صالح است. حتماً همین طور است و ما هم موافق هستیم ولی پیش از آن ما بر احیای نهاد انتخابات قائل هستیم. ما انتخابات را تحریم نمی کنیم ولی برای اینکه انتخابات منشأ اثر باشد و محوریت داشته باشد، برای نهاد انتخابات تلاش می کنیم.

احیای نهادهای انتخاباتی و اینکه اختیارات مجلس باید به مجلس برگردد. من مقاله ای تحت این عنوان نوشته ام که چرا کسی منتقد انتخابات نیست. در نظر سنجی ها می بینید که استقبالی نسبت به حضور در انتخابات وجود ندارد.

امروز جامعه مسیر انتخابات را راهی نمی بیند که از آن طریق بتواند مساله را حل کند. نه این تصور را دارد که بتواند وارد مجلس شود و نه این تصور وجود دارد که در صورت ورود به مجلس بشود خواست جامعه را محقق کرد!

به مجلس فعلی نگاه کنید. آیا این مجلس عصاره فضایل ملت است یا نه؟! آیا این مجلس فعلی مشت نمونه خروار جامعه است یا نیست؟! آیا مقصر اش شورای نگهبان و نظارت استصوابی است یا نه؟! این نظارت استصوابی نهاد انتخابات را به اینجا کشانده است!

برای اینکه مردم رغبت بیشتری به انتخابات پیدا کنند باید مساله نظارت استصوابی حل شود. تحولات سیاستی باید در راستای ایجاد تغییراتی در بخش های خاص و معترض جامعه باشد تا بالاخره حاکمیت چراغ سبزی از خود نشان بدهد. باید این برداشت به وجود بیاید که اختیارات نهاد انتخابی مجلس، به مجلس واگذار شده است.

جامعه از سال ۱۳۷۶ تاکنون چه در زمانی که در انتخابات شرکت کرده و چه زمانی که شرکت نکرده است، چه در فضای مجازی یک خواسته داشته و آن خواست تغییر است. جامعه تغییر می خواهد این روند مورد تایید اکثریت جامعه نیست.

من هم در تشیع جنازه سردار سلیمانی حضور داشتم ولی خواستار تغییر هستم. من هم در بسیاری از مناسبت ها در اجتماعات بودم من هم بچه هییتی هستم و در مراسم مذهبی شرکت می کنم اما بر خواست تغییر در حوزه سیاست تأکید دارم. من معتقد هستم اهداف انقلاب جز از طریق تغییر جدی در مسیر فعلی محقق نخواهد شد.

از ابتدا قرار نبود من در خدمت این جلسه باشم، ولی در این فاصله به خانم منصوری پیغام داده شده بود که نیابند چون صلاحیت ایشان تایید نشده است. در حالی که تاکنون چنین چیزی به ما ابلاغ رسمی نشده است.

آنچه به ما گفته شده وجه قانونی ندارد و حتماً باید مسیر قانونی خود را طی کند و ما نسبت به این موضوع معترض هستیم. انتظار ما از نهادهای قانونی این است که اگر مشکلی وجود دارد از موضع حل و فیصله به مساله نگاه کنند و به احزاب کمک کننده باشند نه اینکه آنها هم بخواهند فشار بیاورند و مسئولیت هایی را که برای احزاب وجود دارد افزایش بدهند.

در این فرصت به طور گذرا به ۵ نکته اشاره می کنم. یکی دو سال پیش آقای دکتر شکوری راد دبیر کل پیشین حزب اتحاد ملت در یکی از همایش های خانه احزاب گفتند: ”حزب کیلویی چند؟“ که تیتیر خور خوبی داشت. با توجه به عنوان همایش امروز اگر از این سالن بیرون برویم و در کوچه و خیابان باشیم به ما می گویند: ”انتخابات کیلویی چند؟“ فراتر می روند و می گویند: ”سیاست کیلویی چند؟“ این مشکلی است که نیروهای سیاسی باید به آن فکر کنند.

فعالان سیاسی و فعالان حزبی جزو پایین ترین اقشاری هستند که سرمایه اجتماعی دارند

در یکی از پژوهش هایی که تحت عنوان نگرش های ایرانیان صورت گرفت، فعالان سیاسی و فعالان حزبی جزو پایین ترین اقشاری هستند که سرمایه اجتماعی



دو هفته نامه غیربرخط اراده ملت

ویژه نامه انتخابات و احزاب

ویژه نامه شماره ۴
ضمیمه نشریه ۶۸
۲۵ مرداد ماه سال ۱۴۰۲

سخنرانی غلامرضا کریمی، نماینده مجمع فرهنگیان ایران اسلامی، عضو فراکسیون اصلاح طلبان خانه احزاب

منافع ملی نظام یا منافع ملی مردم!



با یک تحلیل علمی، وضعیت موجود کشور را در سه گزاره توضیح می دهیم، ناکارآمدی احزاب و فقدان نظام حزبی در انتخابات، بحران مشارکت سیاسی مردم در انتخابات و بحران اعتماد عمومی.

در باب اهمیت حزب زیاد گفته شده، حزب قرار است که نقطه نظرات مردم به تصمیم گیران و حاکمیت منتقل کند به این معنا که رابطه خوبی بین حاکمیت و مردم برقرار کند. ضمن اینکه باید نقادی لازم را نسبت به جریان اکثریت داشته باشد، که دچار انحراف از ارزش ها و منافع ملی نشود.

من امروز اصطلاح جدیدی را یاد گرفته ام که ما در دانشکده های حقوق و علوم سیاسی نشنیده بودیم! "منافع ملی نظام" توجه داشته باشید که منافع ملی برآیند نظرات ۸۵ میلیون انسان است. انسان هایی که همه در این سرزمین زندگی می کنند. آن کسانی که در حاکمیت هستند، میزان نقش و تاثیرشان در تأمین منافع ملی برجسته تر است اما کسی که در انتهای گوشه شرقی ایران است با شرکت در انتخابات و انتخاب منتخبین در تأمین اولویت های منافع ملی نقش دارد.

بنابراین، ما باید همه مردم را در نظر بگیریم و علت اینکه حزب ایجاد شده است این می باشد که تمامی گرایش ها و نظراتی که در کشور وجود دارد در این قضیه دخالت داده شود.

اگر قرار بود آنچه که حاکمیت، دولت و نظام سیاسی می پسندد اجرا شود، دیگر نیازی به قانون احزاب و برگزاری انتخابات های متعدد نبود.

نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران اراده دارد که مرتباً دیدگاه ها و نقطه نظرات مردم را دریافت کند و متناسب با آن شرایط ساماندهی جدیدی برای مدیریت سیاسی کشور داشته باشد، به همین دلیل شما می بینید در ۷۶ جریانی می آید مسلط می شود و همه آدم هایی که به نوعی در عرصه سیاسی فعالیت می کنند انتظارشان چیز دیگری بود اما مردم انتخاب می کنند. انتخابات ۸۴ و ۹۲ به همین شکل بود. شرایط به گونه ای است که آن بستر را باید احزاب فراهم کنند. ما در قانون اساسی دو بند و دو ماده داریم و هم اینکه قانون احزاب هم داریم. مشکل ما چیست؟ به راحتی می توانیم در کشور حزب داشته باشیم. چرا این احزاب کارآمد نمی شوند؟ دلیل این می باشد که قانون نظام انتخاباتی ما مشکل دارد و مبتنی بر حزب و برنامه نیست.

یا باید مثل چین قید انتخابات را بزنیم و یا اینکه هیچ نظام دموکراتیکی اعم از مردم سالاری دینی یا نظام دموکراسی خالص نمی تواند کارایی لازم را داشته باشد

مگر اینکه احزاب قوی داشته باشند.

نظام انتخاباتی که مبتنی بر حزب نباشد و مبتنی بر برنامه نباشد، همین وضعیتی را پیدا می کند که وقتی در دولت می روید نارضایتی از نوع قوانینی که در مجلس تصویب می شود وجود دارد و وقتی در قوه قضائیه صحبت می کنیم می گویند که تعارض قوانین زیاد است. چرا تعارض قوانین زیاد است؟ به دلیل اینکه آدم هایی که می روند در درون مجلس قرار می گیرند نماینده تفکر و برنامه خاصی نیستند. طبیعی است در این صورت جامعه دچار مشکل شود.

گذشت زمان طولانی ۴۵ ساله ما را به بازنگری جدی وادار کند. این چیزی نیست که ما یکدیگر را متهم کنیم و بگوییم مقصر اصلاح طلبان و اصول گرایان هستند یا لایه سخت حاکمیت یا دولت مقصر هستند. مشخص است که ناکارآمدی در عرصه های مختلف وجود دارد، مشخص است که تبعیض و فقر و بی عدالتی در حال گسترش است. ما هیچ کدام از اینها را انکار نمی کنیم.

چگونه ناکارآمدی را رفع کنیم؟ بخشی از این ناکارآمدی به دلیل نبود احزاب قوی و نبود نظام انتخاباتی مبتنی بر احزاب است.

ما بحران مشارکت داریم، چرا در هیچ کشور دنیا وقتی انتخابات برگزار می شود به بحران امنیتی تبدیل نمی شود؟ اما در جمهوری اسلامی تبدیل می شود؟ به دلیل

منافع ملی برآیند نظرات ۸۵ میلیون انسان است

این است که نظام انتخاباتی به گونه ای است که حتی بعد از انتخابات تبدیل به بحران می شود.

در هیچ کشوری در دنیا وقتی انتخابات برگزار می شود این طور نیست که موج اعتراضات تخلیه نشود. ما بعد از انتخابات موج اعتراضات زیادی را شاهد هستیم چون فرصت انتقاد نیست و رویه هایی که برای انتخابات در نظر گرفته می شود، رویه های شفاف نیست.

سخنگوی شورای نگهبان اعلام کرد که قوانینی که در ارتباط با تأیید صلاحیت ها وجود دارد شفاف نیستند! مجلس در رابطه با این موضوع تصمیم گیری نمی کند، ما در دنیا به عدم تصمیم گیری های به موقع نسبت به موضوعات و مسائل خودمان معروف هستیم. یکی از این مسائل بحث انتخابات است.

علت این همه بحران که در جامعه انباشته می شود باید بررسی شود. که چگونه این مشارکت سیاسی را افزایش دهیم و علت این است که بسترها در درون قوانین تأمین نمی شود، بلکه به بحران مشارکت و بحران اعتماد تبدیل می شود.

چرا اعتماد مردم نسبت به بخشی از بدنه حاکمیت کم شده است؟ چرا میزان مشارکت ۲۰ درصد یا ۳۰ درصد است؟ به دلیل این است که رویه هایی که مادر طی این سال ها داشتیم رویه های درستی نبوده و باید آنها را درست کنیم. راه دیگری جز این کار نداریم و احزاب باید به این مساله کمک کنند و طبیعی است که در این قضیه مجلس نقش پیشرو دارد و وقتی مجلس یک مجلس حزبی نیست طبیعتاً پاسخ گویی به احزاب وجود ندارد. همین طور در بحث ریاست جمهوری.

سخنرانی سیدعلی آقازاده، نماینده حزب اعتدال و توسعه، عضو فراکسیون مستقلین و معتدلین خانه احزاب

فضای سیاسی شاهد هیچ گشایشی نبود

عمومی و مشارکت مردم و دولت‌ها در حل و فصل مسائل و مشکلات به صورت مشترک است.

احزاب می‌توانند در این موضوع بار بسیار زیادی را از دوش دولت و نظام بردارند. البته اگر احزاب فعالی باشند. دیدگاه حکمرانی خوب در توجه به احزاب، بازوی پر توان و پر ظرفیت گنجایش بسیار عظیم استعدادهای مردمی و اجتماعی است. در نتیجه شکوفایی سیاسی و اقتصادی است. ما اینها را هم می‌بینیم و هم مطالعه می‌کنیم و هم امروز می‌تواند مانند آینده در مقابل چشمان مان برای نظام سیاسی امروز ما به عنوان یک الگو باشد.

به همین دلیل است که امروز دولت ما و دولت‌های ما یک تنه بار سنگین معضلات و مشکلات و نارضایتی موجود در کشور را بر دوش می‌کشند و کسی نیست کمک‌شان کند. بنابراین احزاب در اینجا می‌توانند بازوی بسیار خوبی باشند اما متأسفانه توجه ویژه‌ای به ماهیت احزاب نمی‌شود و صرفاً فقط شعار می‌دهیم. در این جلسه و خیلی جاهای دیگر شعار می‌دهیم. حتی در وزارت کشور هم مرتب شعار داده می‌شود اما مشاهده کنید خانه احزاب جلسه برگزار می‌کند یک نفر از مقامات سیاسی کشور و این وزارت خانه اینجا حضور ندارند.



ما از این تربیون باید واقعیت‌های جامعه را مطرح کنیم. ما احزابی هستیم که با تنوع گرایش‌هایی که داریم باید واقعیت‌ها را مطرح کنیم و از بحث‌های جناحی و گرایش‌های سیاسی صرف‌نظر کنیم و بر مشکلات زیادی که جامعه امروز دارد متمرکز شویم. شعار دادن در تربیون اصلاً نتیجه‌ای ندارد و مثمر‌تر نیست. واقعیت‌ها و پیشنهادها را بگوییم هر چند که هیچ انتظار معجزه‌ای از این جلسه نمی‌توانیم داشته باشیم و صرفاً فقط باید واقعیت‌های جامعه را بگوییم، بلکه شنیده شود و به آنها عمل شود.

احزاب می‌توانند در این موضوع بار بسیار زیادی را از دوش دولت و نظام بردارند

مردم با صندوق‌های رأی قهر هستند و در چنین شرایطی مشارکت افراد در هر انتخاباتی در حداقل ممکن است. در دو انتخابات گذشته شاهد آن بودیم. مشارکت در کمترین میزان خود در چهار دهه اخیر رخ داد. مجلس امروز برآیند یک چهارم رأی افراد واجد شرایط است. در انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ برای اولین بار در بعد از پیروزی انقلاب اسلامی مشارکت ما به زیر ۵۰ درصد رسید. با توجه به حوادث سال گذشته و فشار سنگین تورمی در دو سال گذشته اگر امروز رأی‌گیری شود نرخ مشارکت زیر میزان ۱۴۰۰ است و در شهرهای بزرگ مانند تهران و کلان‌شهرها این رقم به زیر ۱۰ درصد می‌رسد.

ما معتقد هستیم که فضای سیاسی جامعه نسبت به ۸ ماه قبل شاهد هیچ گشایشی نبوده و این مسیر همچنان ادامه دارد و همچنین معتقدیم از ظرفیت مردم و نهادهای مدنی مانند احزاب، تشکلهای قانونی و... استفاده نمی‌شود، بلکه دستگاه‌ها و نهادهای دولتی و حکومتی به استمرار این انسداد سیاسی دامن زده‌اند. راه حل برون رفت از شرایط کنونی همچنان نگاه به داخل است. باید از ظرفیت‌های عظیم مردم استفاده کرد.

مردم با صندوق‌های رأی قهر هستند

در خیلی از نظام‌های سیاسی جهان آن‌هایی که اعتقاد به تحزب دارند این اعتقادشان باعث افزایش مشارکت مردم و توسعه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی می‌شود و خیلی از این موارد قابل مثال هستند و ما خودمان در جهان امروز می‌بینیم که نقش و جایگاه احزاب در نظام‌هایی که اعتقاد دارند، در توسعه و افزایش مشارکت بسیار مؤثر بوده است.

اگر در کشوری این اعتقاد وجود داشته باشد، عملکرد آن کشور و مجموعه دولت‌ها و نظام سیاسی آن کشور عملکرد مثبتی است. برعکس این موضوع هم وجود دارد. در خیلی از کشورها ما شاهد تک صدایی و تک حزبی هستیم. در این کشورها وضعیت‌ها با سایر کشورها تفاوت دارد.

آنچه که من می‌خواهم بگویم این است که نتیجه حکمرانی خوب رضایت



دو هفته نامه غیربرخط اراده ملت

ویژه نامه انتخابات و احزاب

ویژه نامه شماره ۴

ضمیمه نشریه ۶۸

۲۵ مرداد ماه سال ۱۴۰۲

سخنرانی احمد محبی شولمی، دبیر کل حزب وحدت اسلامی گیلان، عضو فراکسیون مستقلین و معتدلین خانه احزاب

کسی جرئت نمی کند به حزب بیايد

خودشان می گویند احزاب ما احزاب انتخاباتی است و فقط در ایام انتخابات فعالیت می کنند. خود شما این نظم را پی ریزی کرده اید! احزاب از خدماتی خواهند که آزادانه کار کنند و حرکت کنند ولی اجازه نمی دهید و راه را می بندید. اجازه نمی دهید حزب در رابطه با مسائل و معضلات جامعه نظر بدهد و حرف بزند. اگر کسی از احزاب حرفی زد گرفتار می شود و با او هزاران برخورد بد خواهد شد.

در چنین شرایطی چگونه می توان نقش چنین احزابی را در انتخابات بررسی کرد؟!

اگر احزاب بخواهد در این دوره از انتخابات نقش واقعی خود را ایفا کنند و همان کاری را که در دنیا انجام می شود اجرا کنند، آیا تضمین می کنید که فردا به زندان نروند.

پس به این نتیجه می رسیم که ابتدا باید وضعیت ما مشخص شود. حزب تا چه حدی می تواند حرکت کند؟! و اگر نه در فضای موجود هزاران سمینار هم نمی تواند در رابطه با انتخابات مؤثر باشد چون ریشه ما را زده اید!

نشست در رابطه با نقش احزاب در انتخابات است. من اولین کسی هستم که به این عنوان اعتراض دارم. کجا تشکیلات و حزبی اصولی و منسجم دارید تا بخواهید نقش اش را در انتخابات ببینید؟! بنا همین بود که احزاب تشکیل شود و در جامعه و بین مردم و در برابر نظام جایگاهی واقعی داشته باشد، آن وقت بتواند نقش ایفا کند. من در میان مردم هستم. ما و نظام کاری کرده ایم که اگر شب و روز هم فعالیت کنیم، کسی جرئت نمی کند به حزب بیايد! مسیر و دور و برگردان ها را سیم خاردار ریخته ایم. احزاب در وزارت کشور سمینار می گذارند و بعد خدا حافظ.

اجازه نمی دهید حزب در رابطه با مسائل و معضلات جامعه نظر بدهد



دو هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

ویژه نامه
انتخابات و احزاب

ویژه نامه شماره ۴

ضمیمه نشریه ۶۸

۲۵ مرداد ماه سال ۱۴۰۲

سخنرانی حجت الاسلام حسینی، نماینده حزب وحدت و عدالت، عضو فراکسیون اصول گرایان خانه احزاب

احزاب در ایران جایگاهی ندارند

نشان به آن نشان که در سخنرانی کرماتشاه از حضرت آقا سؤال شد که نگاه و نظر شما درباره حزب چیست و ایشان فرمودند که من مخالف هستم و موافقت خود را با حزب اعلام کردند ولی یک شرط گذاشتند. آقا گفتند با نگاه درست. احزاب در ایران و جاهت ندارند و جایگاهی ندارند. نشان به آن نشان که خیلی از شما ها به جای کلمه حزب ترجیح می دهید از کلمه جمعیت، جامعه، گروه و انجمن و... استفاده کنید. خود ما ها از حزب فراری هستیم. چون ظاهراً و جاهت اجتماعی ندارد. اما به آن معنا که حزب معبد و یک ضرورت است، به شرط نگاه درست. البته ما از اصلاح طلب ها توقعی نداریم! کدام یک از احزاب اصولگرا در مورد نگاه درست تبیینی انجام داده؟ جزوهای منتشر کرده و همایشی گذاشته است و تبیین اش را به جایی رسانده و به تقنین تبدیل کرده است؟! همه سر افکنده ایم! نقش احزاب در انتخابات ۱۴۰۲ باید به شرط نگاه درست طراحی شود. نقش زیر بنایی مهم است. حضرت آقا در بیانات کرماتشاه فرمودند که به خاطر معایبی که بود از طرفداری از نظام ریاستی عدول کرده اند. بحث نظام پارلمانی بود که حضرت آقا فرمودند قابل بحث است. چه کسی بحث کرد و این مطلب را دنبال کرد؟! من که تا به حال چیزی ندیده ام.

خود من بررسی کرده ام و می گویم ضرر و زیان نظام پارلمانی به مراتب بیشتر از خسران نظام ریاستی است و هیچ کدام مقبول نیست اما راهکار سومی وجود دارد که نظام ریاستی جمهوری اسلامی شورایی نباشد. شورای نگهبان به جای ۷ تا ۸ نفر تعداد ۲۰ تا ۳۰ نفر را برای ریاست جمهوری تایید کند و از بین اینها به طور مثال ۱۵ نفری که رأی بیشتری را می آورند عضو شورای ریاست جمهوری شوند و این تعداد رئیس جمهور را انتخاب کنند.

کار دو مرحله ای می شود. ولی فقیه دو مرحله ای انتخاب می شود چون تخصصی است. می گویم مدیریت شهری تخصصی است و شهردار باید دو مرحله ای انتخاب شود. آیا ریاست جمهوری تخصصی نیست؟

قرار بود رئیس جمهور نماد جمهوریت باشد به شرط اینکه کل احزاب و جناح ها پای این کار بایند. بعد از امام را حل، هر کسی که رئیس جمهور شد یک عده از جمله احزاب چوب لای چرخ اش گذاشتند.



پرسیدیم چرا وقتی نگاه شهید بهشتی این بود که حزب تعبد است و حزب به مثابه معبد است، چرا فلان حزب را تعطیل کردید و با همان نگاه پیش نرفتید؟! گفتند من احساس کردم حضرت آقا خیلی موافق با حزب بازی نیست و فتنه را پایین کشیدیم و تعطیل اش کردیم! من این حرف را قبول ندارم و عقیده دارم حضرت آقا هم همان نگاه شهید بهشتی را دارند.

خود ما ها از حزب فراری هستیم. چون ظاهراً و جاهت اجتماعی ندارند



دو هفته نامه غیربرخط
اراده ملت

**ویژه نامه
انتخابات و احزاب**

ویژه نامه شماره ۴

ضمیمه نشریه ۶۸

۲۵ مرداد ماه سال ۱۴۰۲

حکمرانی حزبی و انتخابات



علی مجدم

mailto:Mo.mojaddamali@yahoo.com

گذار بر روندهای تصمیم گیری و اجرایی کشور و به عنوان حلقه رابط بین مردم و حاکمیت سیاسی عمل می کند. از آنجا که نظام مردم سالاری دینی، مشارکت دادن عامه ی مردم در تعیین سرنوشت سیاسی از وظایف دولت (کل حاکمیت) است، لذا ضرورت اصلاح نظام انتخاباتی به خصوص انتخابات مجلس شورای اسلامی جهت نهادینه کردن نقش احزاب در انتخابات و شکل گیری نظام حزبی که در آن، در عوض رقابت های سطحی و شخصی میان نامزدهای انتخاباتی، رقابت های برنامه محور احزاب مؤثر و فراگیر جایگزین شود، درک خواهد شد. آن نظام انتخاباتی شایسته و مناسب خواهد بود که از یک سوء، یا مبانی اسلامیت و جمهوریت مردم سالاری دینی سازگار باشد و از سوی دیگر، هرچه بیشتر مشارکت حداکثری و کارآمدی نظام سیاسی و دولت را محقق سازد.

انتخابات ۱۴۰۲ از این جهت اهمیت دارد که نگرانی ها از کاهش مشارکت عمومی مردم افزایش یافته این نگرانی ها از آنجا اهمیت داشت که دولت با وجود یکدست سازی حاکمیت در سایر قوا، نتوانست طرح های بزرگ خود در سیاست خارجی و اقتصاد داخلی را به پیش ببرد.

یکی از مشکلاتی که در کشور ما همچنان وجود دارد ضعف و قدرت نگرفتن احزاب در کشور است، اگر احزاب امروز در کشور فعالیت داشتند قطعاً پاسخ گویی به مردم و نحوه مطالبه مردم از مسئولین متفاوت بود و احزاب می توانستند نقش بهتری را در رویارویی و پاسخ گویی به مردم داشته باشند. اکنون باید پرسید برای نهادینه شدن احزاب سیاسی در ایران، نظام انتخاباتی چه نقشی را می تواند ایفا نماید و بهترین نظام انتخاباتی برای رسیدن به این هدف کدام است؟ در ادوار گذشته، راه های کسب قدرت، غالباً مبتنی بر غلبه و زور بود، اما امروزه در کشورهایی که تعیین زمامداران و نهادهای سیاسی آنها بر مبنای انتخابات استوار است، احزاب جزء لاینفک فضای سیاسی جامعه و انتخابات می باشند. احزاب سیاسی با سازمان دادن به اندیشه ها و گرایش های سیاسی موجود در جامعه، نقش مهمی در تلفیق کردن خرده گرایش های فردی و اجتماعی، در قالب آموزه ها، ایدئولوژی ها و یا نظام های اندیشه ای دارند.

اهمیت انتخابات موجب شده است تا علم و دانش به نسبت مستقلاً در این حوزه شکل گیرد. و در نهایت باید گفت امروزه احزاب یکی از ضروریات زندگی جوامع بشری در دوره مدرن محسوب می شود به طوری که یکی از موثرترین نهادهای تأثیر

اکنون باید پرسید برای نهادینه شدن احزاب سیاسی در ایران، نظام انتخاباتی چه نقشی را می تواند ایفا نماید



دو هفته نامه غیربرخط اراده ملت

ویژه نامه انتخابات و احزاب

ویژه نامه شماره ۴

ضمیمه نشریه ۶۸

۲۵ مرداد ماه سال ۱۴۰۲



دو هفته نامه غیربرخط
اراده ملت

ویژه نامه انتخابات و احزاب

ویژه نامه شماره ۴

ضمیمه نشریه ۶۸

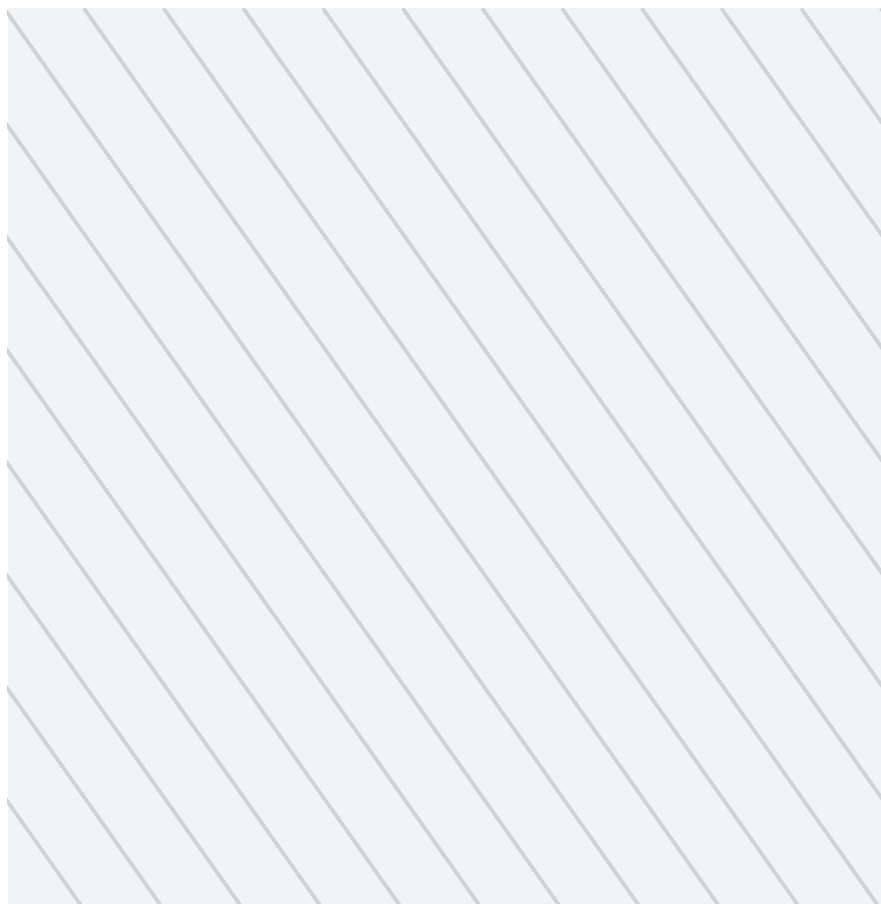
۲۵ مرداد ماه سال ۱۴۰۲

بخش دوم

وضعیت احزاب در ایران

نسیم آنلاین منتشر شد. بعداً خبرنگار علیرضا بهرامی، خلاصه‌ای از این مصاحبه‌ها را به شیوه‌ای هدفمند و تأثیرگذار تهیه کرد تا بتواند تصویری از وضعیت احزاب در ایران ارائه دهد. در ادامه، ابتدا این خلاصه را قرار داده‌ایم و سپس متن کامل مصاحبه با قائم مقام حزب اراده ملت ایران را می‌توانید بخوانید.

نسیم آنلاین یکی از مؤسسات است که به‌طور جد به مسئله احزاب سیاسی در ایران می‌پردازد و در سایت ایشان ده‌ها مطلب قابل توجه در مورد احزاب وجود دارد. چندی پیش خبرنگار تخصصی ایشان یک مصاحبه طولانی با دکتر افشین فرهانچی قائم مقام دبیر کل حزب اراده ملت ایران انجام داد که به‌طور کامل در سایت



تصویری از وضعیت احزاب در ایران

علیرضا بهرامی



دو هفته نامه غیربرخط
اراده ملت

ویژه نامه
انتخابات و احزاب

ویژه نامه شماره ۴

ضمیمه نشریه ۶۸

۲۵ مرداد ماه سال ۱۴۰۲

مشکل شوند. به عنوان مثال نمایندگان مجلس چون بدون فعالیت حزبی وارد مجلس می شوند تا بتوانند با ساختار مجلس آشنا شوند، تا اتمام دوره نمایندگی نمی توانند در مجلس کاری را پیش ببرند.

از نظر باهنر مهم ترین مشکل فضای حزبی کشور این است که در قانون اساسی ضوابط و الزامات حزبی نیامده است. یعنی خود حزب به رسمیت شناخته شده است؛ ولی ضوابط و الزامات آن نه. از منظر باهنر برای اصلاح این وضعیت نظام انتخاباتی در قانون اساسی باید حزبی بشود. یعنی افراد به صورت حزبی در انتخابات شرکت بکنند و نسبت به تصمیمات حزب خود پایبند باشند و در موقع مسئولیت، حزب، پاسخ گوی عملکرد فرد باشد.

احزاب فعلی فقط ۲۰ درصد جامعه را نمایندگی می کنند

مصطفی کواکبیان دبیر کل حزب مردم سالاری است. حزب مردم سالاری از احزاب اصلاح طلب است که پس از دوم خرداد سال ۷۶ تأسیس شده است. این حزب در انتخابات با حضور در ائتلاف احزاب جبهه اصلاحات به فعالیت سیاسی می پردازد. روزنامه مردم سالاری ارگان مطبوعاتی این حزب محسوب می شود. مصطفی کواکبیان فقدان نظام انتخاباتی حزبی را مشکل اصلی فضای حزبی کشور می داند. او معتقد است در صورتی که در نظام انتخاباتی اصلاحات جدی صورت بگیرد و سیستم انتخابات حزبی جایگزین سیستم فعلی انتخابات شود می توان امیدوار بود که احزاب نقشی در فرایند انتخابات ایفا بکنند. کواکبیان معتقد است احزاب فعلی فقط ۲۰ درصد جامعه را نمایندگی می کنند و ۸۰ درصد مردم درگیر فضای حزبی کشور نیستند. یکی از ضعف های جدی فضای حزبی کشور را تعدد و تکثر احزاب می داند. برای برون رفت از این وضعیت علاوه بر اصلاح ساختار انتخابات، او پیشنهاد می کند که ۸۰ حزب موجود باید در یک مرحله به ۸ حزب تقلیل پیدا کنند و در مرحله بعد به ۲ الی ۳ حزب قدرتمند در ساختار سیاسی کشور تبدیل شوند.

وضعیت احزاب در ایران یکی از موضوعاتی است که کمتر به آن پرداخته شده است. یکی از شیوه های رسیدن به شناختی از وضعیت احزاب، هم صحبت شدن با فعالین این حوزه است. پیش از این در گفت و گو با فعالین حزبی در کشور به مسائل و مشکلات کار حزبی و نسبت آن با انتخابات در صحنه سیاسی ایران پرداختیم. آنچه در ادامه می خوانید خلاصه ای از ماحصل این گفت و گوها درباره فضای حزبی کشور است.

مهم ترین مشکل فضای حزبی کشور این است که در قانون اساسی ضوابط و الزامات حزبی نیامده است

محمدرضا باهنر دبیر کل جامعه اسلامی مهندسین است. این حزب که شاخه تخصصی مهندسی حزب جمهوری اسلامی بود، پس از انحلال حزب جمهوری اسلامی به صورت مستقل به فعالیت خود ادامه داده است. در انتخابات نیز با ائتلاف با جبهه پیروان خط امام و رهبری به فعالیت انتخاباتی پرداخته است.

باهنر معتقد است که برای ادامه مردم سالاری دینی نیازمند سه الی پنج حزب قدرتمند، پاسخ گو و فراگیر هستیم و در خلأ این احزاب آینده مردم سالاری دینی به خطر خواهد افتاد. از نظر او لازمه حکومت مردم و منسجم شدن رأی مردم حزب است. حزب ابزار بسیار قدرتمندی است که می تواند آرای مردم را تجمیع و هدایت بکند و حکومت ها را متعادل کند. از نظر باهنر نظام حزبی فعلی ما متشکل از ۲۰۰ حزب کوچک و محدود است که به صورت جزیره ای و چراغ خاموش فعالیت می کنند و صرفاً موقع انتخابات فعال می شوند و با همدیگر ائتلافی را تشکیل می دهند و پس از انتخابات حضور جدی در عرصه سیاسی ندارند.

باهنر معتقد است که کادر سیاسی باید در احزاب تربیت شود و نه در دانشگاه ها. نبود حزب باعث شده نیروهای سیاسی هنگام فعالیت خود دچار

فضا باعث شکل گیری گروه های زیرزمینی و گروه های فشار می شود.

حاکمیت نقش جدی برای احزاب در فضای سیاسی کشور قائل نیست

چون احزاب نقشی در قدرت ندارند نمی توانند وظایف و مأموریت های معمول خود را ایفا کنند

افشین فرهانچی قائم مقام حزب اراده ملت ایران (حاما) است. حزب اراده ملت ایران در سال ۱۳۶۹ تشکیل شد و در سال ۱۳۷۹ مجوز فعالیت خود را از وزارت کشور دریافت کرد. دبیر کل فعلی این حزب احمد حکیمی پور است. حزب حاما به لحاظ گرایش سیاسی اصلاح طلب محسوب می شود؛ ولی در سال ۱۳۹۹ با تصمیم شورای مرکزی، از شورای هماهنگی جبهه اصلاحات منشعب شدند. افشین فرهانچی معتقد است در حال حاضر حاکمیت خالی از احزاب است و چون احزاب نقشی در قدرت ندارند نمی توانند وظایف و مأموریت های معمول خود را به عنوان یک حزب ایفا بکنند. از نظر او اگر احزاب در قدرت حضور داشتند و سیستم اجازه فعالیت به آنها می داد، می توانستند به واسطه چانه زنی با حاکمیت و برای بدنه مردمی خود ایفای نقش بکنند.

فرهانچی مشکل بعدی فضای حزبی کشور را عدم تعهد حزبی می داند. از نظر او افراد با حمایت یک حزب وارد قدرت می شوند و پس از به دست گرفتن قدرت از فضای حزبی خود فاصله می گیرند. یعنی حتی در صورت اینکه احزاب بتوانند قدرت را کسب کنند پس از کسب قدرت نمی توانند بدنه مردمی حزب خود را نمایندگی کنند.

حاکمیت نقش جدی برای احزاب در فضای سیاسی کشور قائل نیست ابوالقاسم رئوفیان دبیر کل حزب اسلامی ایران زمین است. این حزب از جمله تشکل های اصولگراست که به جبهه پیشرفت، رفاه و عدالت پیوسته است. رئوفیان نادیده گرفتن احزاب در تراز قانون اساسی از سوی حاکمیت را مشکل اساسی احزاب در سپهر سیاسی کشور می داند. از نظر او حاکمیت نقش جدی برای احزاب در فضای سیاسی کشور قائل نیست. از طرف دیگر خود احزاب نیز با فاصله گرفتن از شاخص ها و وظایف یک حزب سیاسی از ایفای نقش جدی در فضای سیاسی کشور عقب مانده اند.

ما باید به سمتی برویم که احزاب از پایین به بالا شکل بگیرند
مهدی عرب صادق معاون سیاسی حزب مؤتلفه است. این حزب از قدیمی ترین احزاب ایران محسوب می شود و به جناح راست سنتی و اصول گرایان تمایل دارد. در حال حاضر دبیر کل این حزب اسدالله بادامچیان است. همچنین حزب مؤتلفه با جبهه پیروان خط امام و رهبری ائتلاف کرده است. مهدی عرب صادق معتقد است که احزاب فعلی چون در نسبت با انتخابات و دولت های مختلف شکل گرفته اند نتوانسته اند قابلیت ها و پتانسیل هایی که داشته اند را بالفعل بکنند. به همین خاطر ما باید به سمتی برویم که احزاب از پایین به بالا شکل بگیرند و نه از بالا به پایین.

عرب صادق همچنین معتقد است که احزاب یکی از کارویژه هایی که دارند این است که در فرایند تعیین صلاحیت ها به کمک شورای نگهبان بپردازند. از طرف دیگر احزاب می توانند برای آموزش افراد برای آمادگی برای حضور در سمت های سیاسی ایفای نقش کنند.

وزارت کشور باید اقدام به رتبه بندی احزاب بکند

سیداحمد نبوی دبیر کل حزب همدلی مردم تحول خواه (همت) است. این حزب به لحاظ سیاسی خود را وابسته به جناح اصولگرا یا اصلاح طلب نمی داند. این حزب در سال ۹۸ تأسیس شده است و در ۲۴ استان و ۱۲۰ شهر مشغول به فعالیت است.

سیداحمد نبوی فضای سیاسی را به دو حوزه تقسیم می کند. یک حوزه را حوزه قدرت می داند و حوزه دیگر را مردم. از نظر او برای فعالیت سیاسی دست کسانی که در قدرت حضور دارند باز است و توانایی فعالیت حزبی دارند ولی مردم عادی توانایی فعالیت حزبی ندارند. حتی اگر کسی از مردم عادی بخواهد فعالیت حزبی کند در فرایندهایی شبیه به استخدام در فضای اداری و فعالیت هایی از این قبیل به مشکل برمی خورد. همین مسئله باعث می شود که مردم عادی نتوانند به فضای حزبی ورود کنند و فضای حزبی محدود به حوزه قدرت شود.

نبوی تعدد حزبی و حضور احزاب ضعیف و از کار افتاده را مشکل فضای حزبی کشور می داند. برای برون رفت از این وضعیت پیشنهاد می کند که وزارت کشور باید اقدام به رتبه بندی احزاب بکند؛ یعنی احزاب بر اساس کارت حمایت مردمی و میزان فعالیت رتبه بندی شوند؛ احزابی که از حمایت مردمی و کادر سیاسی فعال برخوردار هستند را احزاب درجه یک بنامند و باقی احزاب که جلسه شورای عمومی را تشکیل نمی دهند یا در طول سال هیچ گونه فعالیت حزبی ندارند در درجه های بعدی جای دهد. با این کار از تعدد حزبی و فضای گیج کننده ای که در فضای حزبی کشور وجود دارد جلوگیری می شود و زمینه فعالیت احزاب واقعی در حوزه سیاسی فراهم می گردد.

برای برون رفت از این وضعیت پیشنهاد می کند که وزارت کشور باید اقدام به رتبه بندی احزاب بکند

کار سیاسی از لحاظ قانونی پرهزینه است

حسین کنعانی مقدم دبیر کل حزب سبز است. این حزب از جمله احزاب اصولگراست که در سال ۱۳۷۸ تأسیس شده است. این حزب در انتخابات با جبهه ایستادگی ایران اسلامی ائتلاف می کند. حسین کنعانی مقدم این حزب را یک حزب میانه گرا بین اصول گرایان و اصلاح طلبان توصیف می کند. کنعانی مقدم سه مشکل اساسی را برای فعالیت سیاسی در کشور بر می شمارد. اولین مشکل نقص قانون در رابطه با جایگاه احزاب است. از نظر او جایگاه احزاب در قانون اساسی به خوبی تعریف نشده است و اینکه احزاب چه مأموریت و قدرتی دارند و چه کاری می توانند انجام دهند، مشخص نیست. مشکل دوم پرهزینه شدن کار سیاسی از لحاظ قانونی است. از نظر او سه قانون در این زمینه وجود دارد. قانون احزاب، قانون انتخابات و قانون جرم سیاسی که این سه قانون در تداخل یا تضاد با یکدیگر هستند. به عنوان مثال در قانون انتخابات به احزاب هیچ وظیفه ای داده نشده است، در حالی که قانون احزاب بر نقش احزاب تأکید می کند. از نظر او این سه قانون باید اصلاح شوند و در یک راستا قرار بگیرند.

مشکل سوم را حزب زدایی در روابط حاکمیت می داند. از نظر او نمونه این حزب زدایی این است که موقع استخدام و گزینش اگر فردی فعالیت حزبی داشته باشد او را کنار می گذارند. همین مسئله باعث می شود کسی کار سیاسی را از مجرای حزبی پیگیری نکند و به طور مستقل به این کار بپردازد. از نظر او این



دو هفته نامه غیربرخط
اراده ملت

ویژه نامه انتخابات و احزاب

ویژه نامه شماره ۴

ضمیمه نشریه ۶۸

۲۵ مرداد ماه سال ۱۴۰۲

گفتگو نسیم آنالین با افشین فرمانچی قائم مقام دبیر کل حزب اراده ملت ایران

حاکمیتی خالی از احزاب



دو هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

ویژه نامه
انتخابات و احزاب

ویژه نامه شماره ۴

ضمیمه نشریه ۶۸

۲۵ مرداد ماه سال ۱۴۰۲

مطالباتشان را پیگیری کنند. حالا می‌خواستیم به نظر شما به عنوان کسی که فعالیت حزبی انجام دادید احزاب موجود می‌توانند پاسخ‌گوی مشارکت نسل فعلی در فضای سیاسی کشور باشند؟

ببینید این سؤال خیلی دقیقی است. بحثی که گفتید یک نظریه پشت آن دارید که احزاب باید نقش واسطه بین مردم و حاکمیت را ایفا کنند. طبیعی است که مردم تعدادشان زیاد است، نظریاتشان پراکنده است، خیلی وقت‌ها نظریات ممکن است دقیق و علمی نباشد. احزاب به عنوان یک نهاد واسطه در کنار سایر نهادهای واسطه مثل دانشگاه، مثل رسانه و غیره می‌آید، اینها را دسته‌بندی می‌کند و با حاکمیت وارد چانه‌زنی می‌شود.

ولی حالا یک قدم جلوتر می‌روم و بحثی را مطرح می‌کنم که الان خاص ایران است و من داستان‌های سال گذشته و اصلاً این جنس از داستان‌ها را ناشی از این مسئله می‌دانم. سال‌ها قبل از اینکه بحث حجاب که با قضیه مرحوم مهسا امینی به این شدت پررنگ بشود، احزاب در این رابطه با حکومت صحبت کرده بودند. حالا چه حزب‌های اصلاح‌طلب، چه حتی حزب‌های اصول‌گرا و حتی پنج شش حزب زنانه‌ی کشور مثل جامعه‌ی زینب، انجمن روزنامه‌نگاران زن (رزنا)، تشکیلات خانم مولودری (جمعیت حمایت از حقوق بشر زنان)، تشکیلات خانم راکعی (جمعیت زنان مسلمان نواندیش). مشکل ما الان انتقال پیام یا اعتراض به

خبرنگار علیرضا بهرامی، نسیم آنالین: نبود سازوکار رسمی برای مشارکت سیاسی مردم یکی از مسائلی است که هر با بروز اعتراضات و شورش‌ها بحث آن باز می‌شود اما خیلی زود به فراموشی سپرده می‌شود. احزاب در کشورهای مختلف به عنوان یکی از این سازوکارهای رسمی نقش ایفا می‌کنند اما در کشور ما این نقش آفرینی به حدی ضعیف است که کمتر کسی از فعالیت‌های حزبی مطلع است. برای شناخت بیشتر فعالیت احزاب در ایران به سراغ احزاب فعال در کشور رفته و به بررسی مواضع این احزاب و آسیب‌شناسی فعالیت حزبی در کشور خواهیم پرداخت. برای بررسی این موضوع به سراغ افشین فرمانچی، قائم‌مقام حزب اراده ملت ایران (حامی) رفتیم.

آقای دکتر بعد از مجموعه اتفاقاتی که در سال ۱۴۰۱ افتاد و اعتراضاتی که شکل گرفت در کف جامعه و فضای سیاسی کشور و یک سری مباحثی حول موضوع اعتراض و حق اعتراض مردم پدید آمد و همه دغدغه‌شان این بود که چون فضای رسمی برای اعتراض وجود ندارد، مردم به سمت اعتراضات غیررسمی و به تعبیری غیرقانونی می‌روند، بعد اتفاقات ناگواری که حالا بعدش می‌افتد و دعوای‌ای که شکل می‌گیرد. از طرف دیگر احزاب سیاسی را نوعی میانجی می‌دانند بین مردم و دولت که به عنوان میانجی ببایند و قرار بگیرند و

احزاب نهاد واسطه هستند، الان متوجه شده‌اند اصلاً نهاد واسطه‌ای وجود ندارد. چون نهاد واسطه کارش این است که پیغام را ببرد. آنها پیغام را بردند. حکومت هم پیغام را دریافت کرده است ولی نمی‌خواهد واکنشی نشان دهد.

که مردم قبلاً فکر می‌کردند احزاب نهاد واسطه هستند، الان متوجه شده‌اند اصلاً نهاد واسطه‌ای وجود ندارد

برگردیم و گریزی بزنیم به قضیه مرحوم مهسا امینی. آن همه اعتراض شد، واکنش‌های مختلفی هم به وجود آمد. حتی یک مقدار تلفات داده شد. چه از طرف نیروهای حاکمیتی و چه از طرف مردم. پیام را مطمئن هستیم رسیده است. یعنی الان حاکمیت باید فهمیده باشد که بخشی از جامعه با پوشش رسمی که حکومت می‌خواهد مشکل دارد. خوب الان دارد چه کار می‌کند حکومت؟ هیچ کاری نمی‌کند. یعنی عملاً این حوزه را مثل بقیه‌ی حوزه‌ها برده در پستو. تازه حتی بعضی وقت‌ها می‌بینیم که مثلاً دارد یک مقدار لجبازی هم می‌کند. لایحه‌ی اخیر که آمده نشان می‌دهد که حتی یک‌ذره هم انعطاف نشان نداده‌اند. یعنی علی‌رغم اینکه پیام را گرفته‌اند ولی عکسش را می‌خواهند عمل کنند. لذا این نظریه‌ای که شما گفتید احزاب می‌توانند نقش نهاد واسطه را داشته‌باشند، در صورتی بود که احزاب بخشی از قدرت می‌بودند که ساختار ما چون حزبی نیست، این حالت را نداریم.



باز یک نکته فرعی هم اینجا ورود کنیم. ببینید الان مدتی است، یعنی از زمانی که اعتراضات چند مرتبه رخ داد، چه وزیر کشور فعلی جناب دکتر وحیدی و چه وزیر کشور قبلی، می‌گفتند مثلاً یک محلی انتخاب کنیم برای تجمعات که مردم آنجا جمع شوند. مثل آن پارک مشهوری که در انگلستان (هاید پارک) است، مردم جمع بشوند اعتراضاتشان را بیان کنند. فرض کنید یک همچنین اتفاقی افتاد. شما آمدید استاد یوم شیروودی را گفتید محل تجمع مردم. مردم جمع شدند، شعار دادند که بله معاونت آموزشی رشته‌های علوم سیاسی ما فلان مشکل را دارد یا آمدند گفتند ما در رابطه با حجاب فلان مشکل را داریم. بعد از آنچه اتفاقی می‌خواهد بیفتد؟ آیا سیستم آمادگی دارد که خودش را منعطف کند؟ تمام این بازی‌ها وقتی معنی دارد که آن سیستم از قبل آماده‌ی شنیدن پیشنهادهای باشد. حالا می‌رسیم به اینکه چه اتفاقی افتاده است که حکومت ایران نمی‌خواهد پیشنهادهای را بپذیرد. معمولاً حکومت‌ها وقتی پیشنهادهایی را نمی‌خواهند بپذیرند

تصمیمات حکومت نیست. مشکل این است که احزاب یا سایر نهادهای مدنی، اینها را منتقل می‌کنند ولی حکومت جوابی نمی‌دهد. حکومت اصلاً برنامه‌ای برای جواب دادن به این دسته از دغدغه‌ها ندارد وگرنه شما خودتان در دانشگاه هستید. دکتر سریع‌القلم بیش از بیست سال است مجموعه‌ای از بحث‌ها را مطرح می‌کند. آقای تاجیک مطرح می‌کند، آقای زیباکلام مطرح می‌کند، آقای خوش‌چهره مطرح می‌کند، آقای افروغ مطرح می‌کند. آیا شما پاسخی به اینها می‌بینید؟ حکومت به اینها پاسخ نمی‌دهد. بنابراین من اعتراضاتی را که پارسال رخ داد از جنس اعتراضاتی که مردم می‌خواهند یک پیام را به حکومت برسانند نمی‌دانم. این پیام قبلاً به حکومت رسانده شده است. الان مردم دنبال یک چیز دیگر هستند. می‌گویند ما قبلاً پیام‌مان را رسانده‌ایم. شما به این پیام گوش نمی‌دهید. ما می‌خواهیم قدرت را به‌دست بیاوریم و حالا با این قدرت کاری را که فکر می‌کنیم درست است انجام می‌دهیم.

حکومت اصلاً برنامه‌ای برای جواب دادن به این دسته از دغدغه‌ها ندارد

پس ببینیم دو تا موضوع شد. در کشورهای دیگر احزاب خودشان بخشی از قدرت هستند، بنابراین شما به‌عنوان مردمی از کف خیابان می‌آیید دختر من، می‌گویید آقا من یک همچنین نیازی دارم. آن وقت منی که در پارلمان حضور دارم، قدرت دارم، حرف شما را می‌شنوم رأی شما را هم می‌خواهم. می‌روم آنجا چانه‌زنی می‌کنم. در ایران احزاب که معمولاً به‌صورت کلاسیک در داخل حاکمیت قدرتی ندارند. حاکمیت تقریباً خالی از احزاب است. الان نگاه کنید هر کدام از حزبی‌ها را که وارد حاکمیت می‌شوند معمولاً از فضای حزبی‌شان فاصله می‌گیرند و با برند حزبی‌شان هم وارد نمی‌شوند. الان مشکلی که ما مردم با حاکمیت داریم قدرت است. ما اعتراض داریم و قدرت می‌خواهیم. حاکمیت به ما قدرت نمی‌دهد و هیچ طور هم روزنه‌ای باز نمی‌کند که اگر من نظری دارم بروم یک بخشی از قدرت را به‌دست بیاورم و با آن قدرت، چیزی را که مدنظر من است تغییر بدهم.



دیگر مردم فهمیده‌اند که این احزاب و این دانشگاه‌ها و این نهادها کارکرد ندارند. برای همین هم است که آسیب‌شناسی احزاب یا حالا مشکلی که برای احزاب به وجود آمده را هم باید از این نقطه شروع کرد که مردم قبلاً فکر می‌کردند



دو هفته نامه غیربرخط اراده ملت

ویژه نامه انتخابات و احزاب

ویژه نامه شماره ۴

ضمیمه نشریه ۶۸

۲۵ مرداد ماه سال ۱۴۰۲



دو هفته نامه غیربرخط
اراده ملت

ویژه نامه
انتخابات و احزاب

ویژه نامه شماره ۴

ضمیمه نشریه ۶۸

۲۵ مرداد ماه سال ۱۴۰۲

دو منشأ بیشتر ندارد. این را احتمالاً می دانید. یکی اینکه منافع حاکمیت ایجاب نمی کند. یعنی یک سری آدم ها در حاکمیت هستند که منافعشان ایجاب نمی کند. مثلاً در انگلستان، حکومت دست کارخانه دارها بوده، کارگرها آمدند و گفتند: «ساعت کار بشود هشت ساعت». کارخانه دار می گفت: «نه آقا من دوازده ساعت می خواهم تو کار کنی. هشت ساعت را نمی پذیرم». پس منافع مستقیم بخشی از حاکمیت مخالف آن حرفی بوده که مردم می زنند.

منافع مستقیم بخشی از حاکمیت مخالف آن حرفی بوده که مردم می زنند.

یک موقع هم هست که حکومت یک چهارچوب آرمانی، یک ایدئولوژی یا یک پارادایم خاص را تعریف کرده، همه چیز را با آن پارادایم می سنجد. در حکومت های کمونیستی این زیاد دیده می شد. در حکومت کمونیستی دیگر منافع آن بالایی ها مطرح نبود که بگوییم منافع خاصی دارند. ولی الان در کوبا هر کس برود مثلاً به راتول کاسترو پیشنهاد بدهد، راتول کاسترو آن کتابش یا آن قانونش را درمی آورد، می گوید پیشنهاد شما با اصول کمونیسم نمی خواند، پس من پیشنهادت را قبول نمی توانم بکنم.

ایران به نظر می آید حکومتش هر دو خصلت را دارد. هم یک چهارچوب ایدئولوژیک خاص دارد. مثلاً شما می روید می گوید حجاب. می گوید آقا نمی شود اصلاً دست من نیست. حتی اگر بخواهم هم نمی توانم. چرا که ما آمده ایم و گفته ایم که مراجع تقلید، مبنای کار ما هستند لذا من اصلاً کاری نمی توانم بکنم و دستم بسته است. درست همان طور که در کوبا می گویند اصول مثلاً مارکس یا فلاّن این است، کارش نمی توانند بکنند. نمی شود آن اصول را دست بزنند.

یکی از کارهایی که الان احزاب می کنند این است که بتوانند حرف مردم را در ساختارهایی قرار بدهند که حکومت بفهمد.

یا این حالت است. یا یک گروه هایی هستند که ذی نفع هستند. یعنی گروه های ذی نفع نمی گذارند. من برآوردم این است که در کشور ما هر دو حالت دیده می شود. بر این اساس در رابطه با سؤالی که شما فرمودید من به نظرم الان دیگر آن نقش نهاد واسطه بلاموضوع شده است. به خاطر اینکه مردم خودشان مستقیماً دارند پیامشان را به حکومت می دهند و در انتخابات هم دارند این پیام را واضح تر می گویند، در اعتراضات مدام این را تکرار می کنند، احزاب هم دارند این پیام را تکرار می کنند. الان باید فکری کنیم که تا مردم جری تر، خشن تر یا نامیدتر نشده اند، وضعیت اصلاح شود. حکومت لازم است تمهیدی بیندیشد.

به نظر شما احزاب می توانند برای برون رفت از این شرایط کاری کنند یا نه دیگر احزاب باید بنشینند یک گوشه و کاری نکنند؟ یعنی می خواهم بگویم که بالاخره یک بن بست است. هست دیگر این وسط. از طرفی مردم پیامشان را رسانده اند تمام شده، از طرفی حاکمیت هم نمی خواهد تغییر بدهد ظاهراً. مثلاً

هیچ راهی را باز نگذاشته. احزاب می توانند با کار حزبی، کاری بکنند یا نه کلاً باید کار حزبی کنار گذاشته بشود؟

بینید بحثی که مطرح کردید یک مقدار داستان را وسیع تر می کند. به این معنی وسیع تر می کند که احزاب می توانند آن قسمتی از جامعه را که تشکل نیافته هستند، متشکل کند و فشار بیشتری به حکومت وارد کند. اینجا احزاب می توانند خیلی نقش آفرینی کنند به این صورت که احزاب بیابند آن مطالبات مردمی را با روش های کلاسیک تر تبدیل به یک اهرم فشار بکنند و از این طریق اثر گذار باشند. طبعاً اگر آقای باهنر یا آقای کواکبیان که جفتشان سوابق طولانی در مجلس داشتند الان همان حرف مردم کف خیابان را می زنند، راحت تر جناب رئیسی یا مقامات بالاتر آن حرف را می شنیدند. حرف مردم کوچه و خیابان سخت شنیده می شود چون کانال مناسب را ندارند، ولی حرف آنها بهتر شنیده می شود. یکی از کارهایی که الان احزاب می کنند این است که بتوانند حرف مردم را در ساختارهایی قرار بدهند که حکومت بفهمد.



نمونه زیبایی این کار را در زمینه احزاب جناب آقای فیرحی انجام داد. نمی دانم آقای فیرحی را می شناختید یا نه؟ چون فکر می کنم. تا قبل از اینکه به خاطر کرونا فوت کنند در دانشگاه تهران تدریس می کردند. آقای فیرحی یک کتاب دارد تحت عنوان حکمرانی حزبی. فوق العاده کتاب زیبایی است. از این زاویه زیبا است که آقای فیرحی با زبانی که آیت الله نوری یا آیت الله مکارم بفهمند حرف زده نه با زبان من یا زبان مثلاً دکتر تاجیک. آقای فیرحی آمده بود از دل فقه سنتی واژگانی را استخراج کرده بود و ثابت کرده بود که در حکمرانی اسلامی حزب خیلی مفید است. ما در محیط آکادمیک برای اثبات حکمرانی حزبی در دنیا مثلاً به نظریات مربوط به دموکراسی، به نظریه های بازی ها، نظریه آشوب و غیره و ذالک استناد می کنیم. ایشان آمده بود از بحثی فقهی استفاده کرده بود. باب فقهی در رابطه با بازی های مجاز در اسلام، شرط بندی روی شتر و نظایر اینها. من چون فقه بلد نبودم خیلی این قسمت را متوجه نشدم. ولی از باب های فقهی استفاده کرده بود و قضیه را بسط داده بود و ثابت کرده بود که احزاب به این صورت خوب هستند. بعد حتی آمده بود ثابت کرده بود که حزب جمهوری اسلامی و حزب توده، حزب های صحیحی هستند.

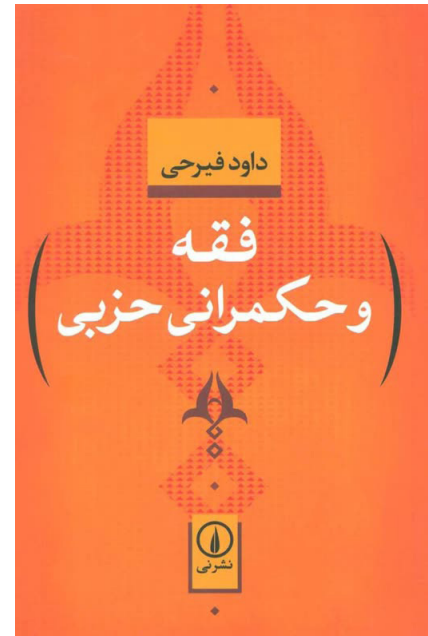
چه انتخابات ریاست جمهوری حزبی نبودند به یک معنا و احزاب انگار فعالیت خیلی جدی نداشتند و یک جورهایی مثلاً آدم‌های پرنفوذ می‌آمدند یک لیستی را انتخاب می‌کردند، آن لیست رأی می‌آورد. از طرف دیگر ما مثلاً می‌بینیم که هشتاد تا هشتاد و خرده‌ای حزب هم وجود دارد. یعنی حداقل روی کاغذ منع قانونی برای این احزاب وجود ندارد. من می‌خواهم بگویم که به نظر شما مشکل حزب چه است که باتوجه به گسترش کمی‌اش همچنان نتوانسته نقش چه سیاسی، سیاسی به معنی انتخاباتی است، چه مردمی که مثلاً سه تا چیزی که شما گفتید را ایفا بکند؟

دوستان از دو تا زاویه به مسئله نگاه کنید. قسمت مردمی‌اش را که خدمتتان گفتم. یعنی مردم ما در دوره‌های مختلف به حزب‌ها اعتماد کردند ولی آن جوابی را که لازم است از حزب نگرفتند. یعنی به خود ما بسیار، بسیار مراجعه کردند. حتی همان وقایع پاییز پارسال، خیلی از مردمی که ما را می‌شناختند به ما مراجعه کردند و گفتند که ما نمی‌خواهیم خیابان برویم ولی می‌خواهیم یک واکنش داشته باشیم. چه کاری بکنیم؟ یا شما چه توصیه‌ای می‌کنید؟ ما نتوانستیم جواب بدهیم. پس مردم متوجه شدند که احزاب آن کارکرد لازم را ندارند و نمی‌توانند پیام‌شان را برسانند. چرا که وقتی به ما مراجعه کردند ما گفتیم: «حزب ما بیانیه داده است.» ولی هیچ کس به آن توجه نکرده است. یا فلان احزاب درخواست داده‌اند به وزارت کشور که مجوز تجمعی به ما بدهید ولی به آنها جواب ندادند. یا حزب ما رفته صحبت کرده که مردم کف خیابان و جوانان و فلان و اینها را ننزید. نیروی خود ما را هم گرفتند. آقا وقتی شما خودتان نمی‌توانید کاری بکنید پس ما برای چه بیاییم؟ و این موضوع نه یک روز، دو روز. در پنجاه سال اخیر مدام مردم به حزب‌ها مراجعه کردند در جاهای مختلف، آن جواب مناسب را از حزب‌ها ندیدند. این را یک طرف ترازو بگذارید، یک طرف ترازو هم ساختار حاکمیتی است. ساختار حاکمیتی ما درست است که روی کاغذ و طبق قانون به حزب مشروعیت می‌بخشد و مجوز هم می‌دهد ولی خیلی خیلی ظریف، در هیچ کجا بحث حزب را مطرح نمی‌کند. به چه معنی مطرح نمی‌کند؟ به این معنی که الان در قانون انتخابات ارجحیت با این است که شما تک شرکت کنید. نه اینکه حزبی شرکت کنید. یعنی اگر حزبی شرکت بکنید حتی ممکن است روی تأیید صلاحیت شما اثر بگذارد. در حالی که وقتی تک شرکت می‌کنید یک آدم منفرد هستید. می‌روید ارزیابی می‌شوید. اما موقعی که می‌روید در لیست حزبی، قبل و بعدش مهم می‌شود. حزب باید جوابگوی آدمش باشد. پس به شما فشار می‌آورد. در حالت عادی بعدش دیگر چه کسی می‌تواند یقه‌ی آن آدم را بگیرد؟

حاکمیت ما به دلایلی اصلاً نمی‌خواهد پای حزب‌ها به ساختار باز شود.

بنابراین وقتی فرد باشد به راحتی می‌تواند از زیر بار همه چیز فرار کند. ولی وقتی حزب باشد بعد از ده سال هم شما می‌گویید اراده‌ملتی‌ها بودند که آن کار را کردند. حالا آن آدم اصلاً مرده و رفته، همان طور که من الان وقتی مثلاً در مورد شما می‌خواهم قضاوت کنم دو روز دیگر اسم شما را یادم می‌رود ولی می‌گویم بچه‌های نسیم آنالین بودند. یعنی در اصل من یک هویت نهاده‌ی به شما می‌دهم، یک هویت تیمی به شما می‌دهم. حاکمیت ما به دلایلی که الان خیلی کوتاه برای شما خواهم گفت اصلاً نمی‌خواهد پای حزب‌ها به ساختار باز شود. در ابتدای انقلاب بحث‌هایی بوده و افرادی بودند در داخل حاکمیت که تمایل به فعالیت حزبی داشتند. ولی یک‌دوره که سیستم جلو رفت متوجه شدند که آقا

نه به معنی اینکه محتوایشان درست است، چرا که حزب توده یک حزب با تفکر متفاوت نسبت به تفکر آقای فیرچی بوده است ولی ثابت کرده بود این حزب نسبت به اصول حزبی و قواعد حزبی حزب صحیحی است. پس یکی از کارهایی که الان احزاب می‌توانند بکنند این است که مجموعه‌ی حرف‌های مردم را مثل یک بلندگو منعکس کنند، سازمان بدهند.



کار دومی که احزاب می‌توانند بکنند این است که به هر حال احزاب درست است به طور مستقیم به قدرت وصل نیستند ولی کانال‌های قدرت بیشتری دارند. مثلاً من، آقای کواکبیان را می‌شناسم، آقای نبوی را می‌شناسم، آشناهای بیشتری دارم تا مردم عادی؛ بنابراین من راحت‌تر می‌توانم لابی کنم و اثر بگذارم، با مقامات بالا صحبت کنم. تقریباً الان برای یک فرد عادی غیرممکن است بتواند آقای مخبر را ببیند. ولی ما ممکن است به عنوان یک حزب راحت‌تر بتوانیم یک قرار ملاقات بگیریم، حالا آقای مخبر یا معاونشان یا رئیس دفترشان را ببینیم. پس حالت دوم هم این است.

حالت سوم هم که خیلی کمک کننده است این است که مردم به هر حال در کوتاه مدت به پدیده‌ها واکنش نشان می‌دهند. یک اعتراضی می‌شود، مردم یک ماه می‌آیند در خیابان، دو ماه می‌آیند، نه، هشت ماه می‌آیند در خیابان. بعد از آنکه مردم دیگر نمی‌توانند همه‌ی کار و زندگی‌شان را ول کنند هر روز پا شوند بیایند در خیابان‌ها. احزاب می‌تواند این پایداری را ایجاد کنند.

آقایان اگر فرصت داشتند و الان می‌توانستند قانون اساسی جدید بنویسند، اصلاً حزب در آن نمی‌گذاشتند

حالا من سؤالی که داشتم روی این متمرکز می‌خواهم بشوم ما مثلاً قبل از سال ۱۴۰۱ بالاخره یک سری اعتراضاتی بود به فضای کشور. ۹۸ مسئله‌ی بنزین بود، سال ۹۶ مسئله‌ی معیشت مردم بود و خوب مثلاً حتی انتخابات قبل از ۱۴۰۱ را هم که نگاه کنیم باز هم آن چنان که باید و شاید چه انتخابات مجلس



دو هفته نامه غیربرخط اراده ملت

ویژه نامه انتخابات و احزاب

ویژه نامه شماره ۴

ضمیمه نشریه ۶۸

۲۵ مرداد ماه سال ۱۴۰۲



دو هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

ویژه نامه
انتخابات و احزاب

ویژه نامه شماره ۴

ضمیمه نشریه ۶۸

۲۵ مرداد ماه سال ۱۴۰۲

این فعالیت حزبی به درد ساختار حکومتی ایران نمی خورد. حالا چون در قانون اساسی اسمش برده شده و یک تمایلاتی هم وجود داشته، کماکان دارند با آن مدارا می کنند ولی در عمل اصلاً روی آن بحث نمی کنند.

مصادق هایی در این زمینه می خواهم بگویم؛ تا الان چندین دفعه قانون انتخابات اصلاح شده و بحث انتخابات حزبی مطرح شده است. حتی آخرین بار در دولت آقای روحانی، یک لایحه ای نوشتند که نسبتاً لایحه ای کاملی بود. تلفیقی از نامزدهای حزبی و فردی بود تا یک حدودی شبیه به انتخابات ترکیه یا بعضی کشورهای دیگر. به این معنی که تو مردم را مخیر می کردی که آقا می توانی بروی رأی بدهی، خودت اسم بنویسی یا می توانی بروی رأی بدهی و علامت بزنی حزب فلان. آن حزب فلان قبلاً سی تا آدم خودش را معرفی کرده و مثلاً اسم سی نفر را برای تهران داده است. تو می توانی آنجا اسم آن سی نفر را خودت بنویسی و فردی انتخاب کنی یا می توانی یک تیک (علامت) بزنی بگویی که من جناح اصلاح طلب را انتخاب کردم. به طور اتوماتیک رأی برای آن سی نفر لحاظ می شود. خیلی هم مکانیسم دقیق و مدرن و خوبی بود. شورای نگهبان هیچ طور زیر بار نمی رفت و نه یک دفعه یا دو دفعه، بیست و پنج سال است هر لایحه ای با طرح انتخاباتی دولت می برد یا مجلس می برد که یک ذره می خواهد فرم انتخابات را از این حالت فعلی به انتخابات حزبی تبدیل کند، شورای نگهبان قبول نمی کند.

در بحران ها ما با مردم هم نمی توانیم ارتباط برقرار کنیم

حالا چرا این اتفاق افتاده که اصلاً با حزب مخالف شدند؟ در دوره ی دانشجویی تان خودتان دیده اید یک موقع شما با یک کلاس روبه رو هستید، سی تا شخصیت منفرد هستند. حالا یکی از آنها بچه ی شهرستان است یکی راهش دور است. یکی متأهل است. یکی نمی دانم یک معلولیت یا معذوریت دارد. سی تا آدم پراکنده و پخش و پلا. کافی است این سی نفر یک شورا درست کنند. رئیس دانشکده بیچاره می شود. هر روز این رئیس شورا که معمولاً هم آدم های جاه طلب و بالانرژی هستند می رود در دفتر رئیس دانشکده که مثلاً چرا آبخوری خراب است؟ چرا کیفیت غذا فلان است؟ کنترل این آدم نماینده شورا سخت می شود. سیستم ما هم به خاطر اینکه از این نظارت، کنترل، غرزدن و تغییر دادن می ترسد از همان اول گفته آقا اصلاً من نمی خواهم. آقای باهنر تکی حرف می زنی، خیلی خوب است. آقای مطهری تکی حرف می زنی، من می توانم بشنوم. ولی اگر بخواهید بشوید حزب و جمعی حرف بزنی برای مادر دسر می شود. اما چون رویش نمی شود این را به وضوح بگوید؛ در عمل هیچ کنشی را اجازه نمی دهد که احزاب صورت بدهند.

برای همین ساختار به این دلایل که گفتم نمی خواهد برای خودش دردسر درست کند. من مطمئنم آقایان اگر فرصت داشتند و الان می توانستند قانون اساسی جدید بنویسند، اصلاً حزب در آن نمی گذاشتند. اسم آن را می گذاشتند تشکل های مردمی یا هیئت های مذهبی یا یک همچنین چیزی که بعداً در چهار چوب خودشان تعریفش بکنند. همین الان هم در کلام خیلی از این آقایان می بینید که ایشان چهار چوب حزبی را در بسیج یا هیئت های مذهبی، محلی و اینها تعریف می کنند که با تعریفی که ما از حزب می کنیم و در علوم سیاسی و جامعه شناسی و اینها وجود دارد فرسنگ ها فاصله دارد.

شما گفتید که سه تا وظیفه دارند احزاب به نظر شما چرا همان وظایف را انجام نمی دهند؟

حزب احتیاج دارد که در ساختار قدرت تعریف شده باشد. یعنی به آن قدرت تفویض شده باشد مثل رئیس شورای دانشجویی. اگر رئیس شورای دانشجویی در ساختار دانشگاه تعریف نشده باشد که معنی نمی دهد. بروی پیش رئیس دانشکده بگویی من چه کسی هستم؟ پس این موضوع باید برایش تعریف بشود. از یک طرف حزب باید از طرف مردم مورد اعتماد و مورد وثوق قرار بگیرد. مردم جمع بشوند بگویند تو نماینده ی ما باش برو آنجا. معمولاً در کشورهای دیگر یا داستان از این ور شروع می شود. یعنی مردم می آیند دور یک رهبر یا یک حزب جمع می شوند. حزب از پایین شکل می گیرد یا از طرف دیگر شروع می شود. حکومت یک فرصتی به این حزب می دهد، بعد مردم می فهمند پس این دکان ی که اینها باز کردند به اسم حزب فلان، یک جنس برای فروش دارد. می روند سراغ آن. الان نه حالت اول اتفاق می افتد نه حالت دوم. حالت اول به این خاطر اتفاق نمی افتد که من الان به راحتی نمی توانم تابلوی خودم را حتی نصب کنم. یعنی اگر شما بخواهید با اسم حزب و با نیروی حزبی فعالیت کنید نه به طور مستقیم، غیر مستقیم مشکلی ایجاد می کنند.

خود سیستم اصلاً دلش نمی خواهد بازی احزاب راه بیفتد. برای همین هم ترجیحش لیست ها، جناح ها و افراد است. خود ما که از شورای هماهنگی اصلاح طلب ها سه سال پیش بیرون آمدیم دقیقاً به خاطر همین بود. ما آمدیم گفتیم که این داستان جناح ها زمین بازی است که سیستم طراحی کرده که تحزب شکل نگیرد و گرنه در همه ی دنیا جناح ها وجود دارند. ولی داستان این جوری است شما الان دارید فرانسه را می بیند ده تا حزب وجود دارد، در دوره ی انتخابات ائتلاف با هم می کنند روی یک نامزد. بعد از انتخابات هم هر کس می رود خانه ی خودش. حالا ما اینجا چه؟ بیست یا سی تا حزب در جناح اصلاح طلب هستند. این سی تا حزب اکثرشان بدون جناح اصلاح طلب انگار اصلاً وجود ندارند. الان شما برو با خیلی از این دوستان اصلاح طلب صحبت کن بگو دفتر حزبتان کجاست؟ ندارند. رسانه ی حزبتان کجاست؟ ندارند. بیانیه ی آخر حزبتان کجاست؟ می گویند شورای هماهنگی اصلاح طلبان بیانیه داد دیگر. یعنی همه چیز را حل کردیم در جناح. آن طرف هم همین طور.

تیراژ بعضی از نشریات حزبی اول انقلاب بالای صد هزار تا می شد

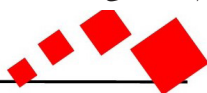
باتوجه به این عدم تمایل حاکمیت، امتیازی هم به احزاب داده نمی شود و تازه مانع تراشی هم می کنند. در بحران ها ما با مردم هم نمی توانیم ارتباط برقرار کنیم. خیلی وقت ها در این بحران ها، همان روز اول یا دوم بحران، از نهادهای امنیتی بلافاصله به ما زنگ می زند و می گویند که دخالت نکنید، بیانیه ندهید. فلان کار یا به همان کار را نکنید.

آقای دکتر یک مقدار این مراجعات مردم را که می گویند توصیف می کنید که مردم که می آیند به شما مراجعه می کنند، دنبال چه هستند؟ از شما چه می خواهند؟

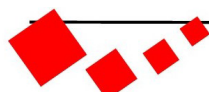
بین تنوع زیادی وجود دارد. ولی آن قسمتی که به بحثمان ارتباط دارد را

ما نمی‌توانیم بفهمیم که این حمایت‌های مردمی چقدر است و احزاب واقعی کدام‌ها هستند و احزاب کاغذی کدام‌ها. به نظر شما چقدر این مشکل، ریشه‌ی مشکلات احزاب است و خودتان نظراتان در این مورد چه است؟

این جنس از نقدها چندان بیراه هم نیستند ولی نکته‌ی کلیدی اینها نیست. فرض کن الان ما شفافیت مالی را هم ایجاد کردیم. یک هوسی از جامعه می‌نشیند که همیشه می‌گویند آقا چرا مثلاً میزان درآمدها معلوم نمی‌شود؟ شما می‌آیید می‌گویید آقا این هم میزان درآمدها، خوب بعدش؟ در اصل گمانم بر این است که این جنس از اعتمادسازی‌ها لازم است ولی حتی اگر اتفاق بیفتد هم کفایت نمی‌کند.



حکومت اگر واقعاً مدعی مشارکت مردم هست، در را باز کند تا مردم مشارکت کنند



ما در شورای قبلی توانستیم در شورای شهرهای بزرگ سه نامزد بفرستیم. یکی در همدان یکی در شیراز یکی در کرج. بعد با این سه نامزدمان صحبت کردیم، گفتیم که آیا حاضر هستید دقیقاً میزان هزینه‌ی تبلیغات‌تان را اعلام کنید. میزان وضع شخصی و زندگی مالی‌تان را هم اعلام کنید؟ که با پایان دوره این را مقایسه کنیم و بسنجیم. از این سه نفر، دو نفرشان گفتند: «نه ما حاضر نیستیم». یکی‌شان که یک خانم معلم بود گفت: «من حاضرم». ما لیست اموالش را گرفتیم و تأییدش کردیم و میزان اموالش و هزینه تبلیغاتش را بعد از انتخاب‌شدنش اعلام کردیم. حالا دعاها و متل‌ها و بحث‌ها و اینها بماند که یکی گفت تو که معلمی چرا دویست و شش سوار می‌شوی. معمولاً معلم‌ها پراید دارند. یا چرا مثلاً چهارتا ملک داری همه راسه دانگ سه دانگ خریدی؟ و حالا بماند که اصلاً خود این خانم پشیمان شده بود از کارش. نهایتاً یک روز من باشدم رفتم پیش معاون استاندار. گفتم یک کاری انجام‌شده، اصلاً نمی‌گویم کار پیش‌روی است، یک نفر لیست اموالش را اعلام کرده است. هر روز دارد در رسانه‌ها گوشه‌کنایه زده می‌شود. حالا با فضای مجازی کار ندارم. فضای مجازی بالاخره هر کس دلش می‌خواهد چیزی می‌گوید. ولی ما می‌بینیم حتی در رسانه‌های نیمه‌رسمی و مطبوعات مکتوب محلی هم گوشه‌کنایه می‌زنند.



آقا به جای اینکه تبلیغ بکنید و تشویق کنید، دارند بر ضد این عمل می‌کنند. حالا این هم گذشت. موقعی که ایشان دوره‌اش تمام شد، لیست اموالش را اعلام کرده بود، یک سه دانگ کم شده بود. یعنی در این مدت، تازه یک سه دانگش هم طی این مدت به یک دلیلی فروخته بود. ولی این موضوع هیچ تأثیری روی دور بعدی انتخابات نگذاشت. یعنی کاملاً معلوم بود از این چیزهایی است که هوسی است. مثل اینکه حالا امروز اگر دوست داشتید من می‌توانم مثلاً لیست درآمد

خدمتتان می‌گویم. در بحران‌ها جامعه عصبی است دیگر. می‌خواهد یک واکنش نشان بدهد. فرض کنید یک جوان بیست و پنج‌ساله است خیلی دلش می‌خواهد برود خیابان شعار بدهد. ولی می‌ترسد یا احتیاط می‌کند. من را می‌شناسد یا حزب ما را از قبل می‌شناسد. اصلاً یک دوره‌ای عضو ما بوده، می‌آید و می‌گوید که برنامه‌ی حزب چه است؟ شما نمی‌ریزید در خیابان یا یک تجمعی نمی‌کنید ما هم بیاویم؟ ببین کاملاً معلوم است که تمایلی به اینکه خودش به صورت انفرادی عمل کند ندارد. می‌خواهد یک نهاد باشد که با آن نهاد برود. ما یک جنس از مراجعات‌مان از این دسته است. یعنی خیلی‌ها می‌آیند به ما مراجعه می‌کنند می‌گویند الان مثلاً یک تعداد زندانی سیاسی داریم. شما برای این زندانی‌های سیاسی چه کار می‌کنید؟ ما به شما کمک کنیم. می‌گویند شما یک کارزار راه بیندازد ما هم می‌آییم امضایش می‌کنیم. پس در اصل این نیاز را داریم.



یک دسته‌ی دومشان که یک پله رفته‌اند جلوتر می‌آیند می‌گویند که ما با بخشی از ساختار مشکل داریم. مثلاً با نظارت استصوابی یا با حجاب اجباری یا با فلان مشکل داریم. شما چه کار می‌توانید بکنید که ما هم بیاویم کمک‌تان کنیم. یا برعکس شما به ما کمک کنید که ما بتوانیم این تغییر را ایجاد کنیم. در این زمینه مثلاً معلولین که مشکلات عدیده‌ای دارند به هر دری می‌زنند. حتی به احزاب مراجعه می‌کنند. بحثشان این است که آقا لایحه‌ی معلولین تصویب شده ولی اجرایش نمی‌توانیم بکنیم. شما در استان همدان یا در استان سمنان چه کاری می‌توانید برای ما بکنید، می‌توانید با استاندار مذاکره بکنید این لایحه‌ی معلولین را عملیاتی بکنند. پس دو جنس از خواسته‌ها را از ما دارند. این دو جنس الان خیلی خیلی غالب هستند. کسانی که اعتراض دارند می‌خواهند ما در اصل همراهشان می‌شویم یا ما جلو بیفتیم آنها پشت‌سر ما بیایند و کسانی که در سیستم هستند نقد دارند، کارشان راه نمی‌افتد، می‌خواهند در اصل ما واسطه بشویم برایشان یک کاری بکنیم.

آقای دکتر من بحث‌های آکادمیک مربوط به احزاب را که مطالعه می‌کردم، خیلی از صاحب‌نظران این حوزه معتقد بودند دو تا پایه را احزاب در این راه ندارند و به‌خاطر اینکه دو تا پایه را ندارند این ضعف در احزاب دیده می‌شود. اولین پایه آن کارت حمایت‌های مردمی است که معتقدند که احزاب آن کارت را در ایران ندارند از طرف دیگر معتقدند چون احزاب شفافیت مالی و اطلاعاتی هم ندارند،



دو هفته نامه غیربرخط اراده ملت

ویژه نامه انتخابات و احزاب

ویژه نامه شماره ۴

ضمیمه نشریه ۶۸

۲۵ مرداد ماه سال ۱۴۰۲



دو هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

ویژه نامه انتخابات و احزاب

ویژه نامه شماره ۴

ضمیمه نشریه ۶۸

۲۵ مرداد ماه سال ۱۴۰۲

هزینه‌ی حزب اراده ملت ایران را برای شما بگویم. خوب. شما هم می‌شنوید، بعد دفعه بعد هم اتفاق نمی‌افتد. یعنی مثلاً این جوری نمی‌شود که حالا چون ما لیستمان را اعلام کردیم، شما بیاید طرفدار ما بشوید. وگرنه الان طبق قانون وزارت کشور و کمیسیون ماده‌ی ده احزاب پایان هر سال، میزان درآمد و مخارج ما را می‌گیرد. من چون امور مالی حزب دست خودم است خودم لیست‌ها را تنظیم می‌کنم. ما هزینه‌های هر سالمان را می‌نویسیم که چقدر درآمد داشتیم. چقدر مخارج داشتیم. می‌دهیم به وزارت کشور. هر وقت وزارت کشور بخواهد می‌تواند اینها را منتشر کند. اسناد محرمانه هم نیست. پس این موضوع، آن تأثیری که بعضی از کارشناسان و محققین می‌گویند را ندارد.

آن بحثی هم که فرمودید مبنی بر اینکه احزاب کارت مردم را ندارند. واقعاً ما کارت مردم را نداریم. ببینید الان خود حزب اراده‌ی ملت ایران، سرجمع اعضایش و هواداران و پشت‌پرده‌ها و روی پرده و اینها، ما به پنج‌هزار نفر نمی‌رسیم. تازه پنج‌هزار نفر که می‌گویم، فرض کن شما را هم الان می‌گویم جزوش. هر کس پایش خورده به این دفتر می‌گویم آقا این هم هست. این جوری حساب نکنیم ما پنج‌هزار نفر بیشتر نیستیم. علتش هم این است که من برای اینکه خودم را به مردم معرفی کنم حداقل باید یک ده‌ای داشته باشم. یک بروزی در یکجا نشان داده باشم. یک نفر من را ببیند. این فضا را به احزاب نمی‌دهند.

من قاطعانه معتقدم گرچه مسائل ایران خیلی پیچیده است و مسائل پیچیده هم راه‌حل‌های پیچیده دارد ولی این راه‌حل‌های پیچیده لااقل بیش از نود درصدشان الان معلوم است

تجربه نشان داده که در سال پنجاه و هشت، پنجاه و نه شصت که فضا باز بود، گروه‌های چپ که به هر حال با فرهنگ عمومی جامعه ایران هم چندان سختی نداشتند، مراسم برگزار می‌کردند، صدهزار تا آدم می‌آمدند. تیراژ بعضی از نشریات حزبی اول انقلاب بالای صدهزار تا می‌شد. خیلی خیلی عدد عجیبی است. الان روزنامه‌های کشورمان صدهزار تا تیراژ ندارد. بنابراین نشان می‌دهد مردم ما دوست داشتند حزب باشد. کار ساده‌ای است. یعنی وقتی آدم به حزب اعتماد می‌کند، خوب حزب می‌رود جلو. کار کم‌هزینه انجام می‌دهد. پس مشکل، مشکل مردم نیست. مشکل ما هستیم که الان نمی‌توانیم این رابطه را برقرار کنیم. حزبی‌ها را هم مشکل ندارند. من کتابم را چاپ کردم. حرفم را زدم. نشریه‌ام را هم دارم. ولی وقتی می‌خواهم نشریه را توزیع کنم به من گیر می‌دهند. خوب من ارتباط برقرار نمی‌کنم با مردم. نمی‌شود اصلاً ارتباط برقرار کرد. با تک‌تک مردم هم که نمی‌شود صحبت کرد. الان خود شما جفتان در رشته‌های مرتبط با سیاست هستید. هفتاد هشتاد تا حزب هستند در کشور است. بالاخره قاعدتاً باید بروید در یکی از این حزب‌ها. اگر می‌خواهید، کنش سیاسی داشته باشید. خوب از خودتان می‌پرسید برویم در کدام حزب که بعداً یک امتیازی به کشور برساند. خودتان نگاه می‌کنید می‌بینید هیچ کدام از این حزب‌ها نه در قدرت هستند. نه قدرت لایبی دارند. نه فشار می‌توانند به حکومت بیاورند. مگر برای خودتان می‌خواهید دردسر درست کنید. درحالی که در کشورهای دیگر اصلاً این جز رزومه‌ات باشد، برای امتیازی حساب می‌کنند. می‌گویند: «آفرین علوم سیاسی خواندی. پنج سال هم سابقه‌ی ستادی و حزبی داری». تو را جذب می‌کنند. اینجا کاملاً برعکس است. یعنی کافی است بفهمند یک نفر از این بچه‌ها در سیستم آموزش پرورش، بهداشت و درمان یا فلان جا، مارک حزب

رویش خورده است. برای همین هم میانگین سنی ما دارد می‌رود بالا. یعنی الان من مثلاً با این سنم دیگر خیلی دانشگاه یا وزارتخانه کارم ندارد. می‌گویند این دیگر از دستمان پریده است. ولی هر کدام از نیروهای جوان که می‌خواهند بروند همه‌شان دغدغه‌ی این را دارند که مارک حزب روی ما می‌خورد، ما را رد می‌کنند.

آقای دکتر یک کم وارد مسائل روز بشویم. مسئله‌ی اعتراضات در سالی که گذشت به‌طور خاص حقوق زنان بود. حالا خاصش مسئله‌ی پوشش زنان که حق زنان به همین پوشش هم محدود نمی‌شود. مسائل دیگری هم زنان دارند. مسائل قدرت سیاسی، مسائل خشونت‌های خانگی، مسائل اشتغال زنان. ولی خوب حالا چیزی که بولد شد آن بحث پوشش زنان است. اخیراً هم یک سری درگیری‌های سیاسی داشته دیگر. یعنی تمام نشده این مسئله. درگیری‌هایی سر لایحه‌ی عفاف و حجاب. درگیری‌هایی از این جنس. حالا می‌خواستیم به‌طور کلی ببینیم برنامه‌ی حزب شما برای بحث حقوق زنان چه هست؟

ما در حزب خودمان یک کمیته زنان داریم در ساختار حزب‌مان که این کمیته‌ی زنان، کارش ارتقای جایگاه و موقعیت زنان هم در داخل حزب و هم پیگیری ارتقا و حقوق زنان خارج از حزب است. در داخل حزب کمیته چه کار می‌کند. زیاد مهم هم نیست که اعضای کمیته زن باشند یا مرد باشند. در اصل کمیته حامی حقوق زنان است. کمیته این کار را در داخل حزب می‌کند که مثلاً یک صندلی در دفتر سیاسی ما خالی می‌شود. دفتر سیاسی ما یازده تا عضو دارد، الان دو نفر خانم هستند. قبلاً فقط یک نفر بود. در دور جدید کمیته زنان پیشنهاد کرد که این تعداد افزایش یابد. یک‌جور تبعیض مثبت اینجا شد.

نشریه‌ای بیرون می‌آید، در هر شماره‌ی نشریه بیست و چهار تا مطلب وجود دارد. بعد آنها مدت به‌مدت به من آمار می‌دهند، می‌گویند که تعداد مطالب مربوط به زنان تان کم است. ما آمار گرفتیم از مثلاً بیست و چهار تا، پانزده درصد شما مطالب تان به زن‌ها مربوط می‌شود. ما انتظار داریم حداقل سی درصد مطالب تان در رابطه با زنان باشد. در انتخابات می‌خواهیم حضور پیدا کنیم همین‌طور. پس این کمیته در داخل حزب دارد تمرین می‌کند که چطور جایگاه زنان حزبی را ارتقا ببخشد. غیرواقعی هم کار نمی‌کند. ولی یک تبعیض مثبتی دارد. یعنی خود ما هم دیگر یاد گرفتیم به‌مرور زمان که مثلاً وقتی مطلب زنان می‌آید اولویت را اول به آنها دهیم. همین داستان را این کمیته‌ی زنان، بیرون از تشکیلات حزبی هم دنبال می‌کند. یعنی هر جا که پایش پیش آمده که مسائل زنان را بشود پیگیری کرد اینها دنبالش افتادند.



الان مثلاً سر این لایحه‌ی عفاف و حجاب اینها یک متنی آماده کردند شاید در همین نشریه‌ای که هفته آینده بیرون می‌آید، منتشرش کنند که نقدهایی که به این لایحه دارند را مطرح کنند؛ ولی فقط همین. ما چون در قدرت نیستیم، مثلاً فرض کن الان در مجلس آدم نداریم که مستقیم برود درباره‌ی لایحه‌ی زنان صحبت بکند. پس عملاً جاهای مؤثری که این لایحه می‌تواند تصویب بشود ما عملاً نقشی نمی‌توانیم ایفا کنیم. مطمئن هم هستیم که این مطالبی که ما می‌نویسیم، خیلی‌هاشان در همان لایحه‌های میانی خوانده می‌شود و به بالا منعکس نمی‌شود. یا منعکس بشود از زاویه‌ی بدی منعکس می‌شود.

ولی یک مشکلی وجود دارد. فرض کنید ما ده تا نیرو معرفی می کنیم. بعد از این ده تا نیرو، سه تا نیروی برتر حزب است، سه تا نیروهای میانی است و چهار نفر نیروهایی است که از در حزب فقط رد شده اند. نیروهای برتر حزب ما تأیید نمی شوند. یعنی الان سال هاست افراد کلیدی حزبمان حتی نامزد نمی توانند باشند. حالا به دلایل مختلف و نه فقط دلایل سیاسی، چون پس زمینه ذهنی شان این است که آقا این آدم را باید جلواش را بگیریم. حالا دلایل غیرسیاسی هم پیدا می شود. مثلاً در مورد آقای حکیمی پور گفته بودند: «شما یک مشکل مالی دارید» و بعد ایشان را رد کرده بودند. بعد مشخص شد که اصلاً چنین مشکلی وجود نداشته است و مربوط به یک پرونده مختومه است. ولی حالا گیر دادند. تا بیایی بروی شکایت کنی و آن کار را انجام بدهی تمام شده است. یعنی یک سنگ می اندازند، بعد از یک مدت می بینی آقا آن سنگ این قدر دردسر دارد که دنبالش نمی روی.

ما خیلی وقت ها به بچه های حزبی مان می گوئیم وقتی همان اولش می گویند رد صلاحیت، خیلی پیگیری نکنید. سیستم دارد پالس می دهد دیگر. می گوید آقا من خیلی مایل نیستم تو بیایی. پس ورود نکن. بین این نحوه برخورد باعث شده که نیروهای اصلی حزبی نیایند. حالا نیروهای درجه سه می آیند. نیرو درجه سه را ما هم رویشان اشراف نداریم. همان اتفاقی افتاد که برای فراکسیون امید در زمان آقای عارف افتاد. با صد و سی چهل نفر رفتند داخل. روزهای آخر می گفتند: «بیست و پنج نفر». یعنی بقیه معلوم شد اینها نیروهای درجه دو، درجه سه ای بودند که به مرور زمان از تشکیلات حتی فراکسیون هم فاصله گرفتند. چه برسد به تشکیلات حزبی.

من یک کم راجع به مسائل اقتصادی هم می خواستم صحبت بکنم. مهم ترین مسئله اقتصادی که ذهن همه ما را درگیر کرده بحث تورم هست. برای بحث تورم، الان بحثی که در بین اقتصاددانان مطرح است برای حل تورم، راه حل رفع کسری بودجه دولت است و برای کسری بودجه دولت، حذف یارانه های پنهان پیشنهاد می شود. از طرف دیگر هم ما می بینیم که اگر این یارانه های پنهان اتفاقی برایشان بیفتد می شود شبیه یک اتفاقی مشابه سال ۹۸ می افتد. شوکی به مردم وارد می شود. خواستیم ببینیم نظر شما درباره این راه حل چیست و به طور کل نظر حزب شما در مورد این چیست؟

ببینید در رشته ی پزشکی یک مریض می آید که سرطان دارد. فوقش سه شویه درمان وجود دارد. یا شیمی درمانی می کنید یا رادیوتراپی می کنید، اشعه به او می دهید یا مثلاً برایش جراحی انجام می دهید. دیگر پنجاه تا که راه حل ندارد. در کتاب هم نوشته شده، پروتکل هایش هم معلوم است خیلی هم بین ما متخصصین دعوا باشد، من می گویم با شیمی درمانی شروع کنیم. بعد رادیوتراپی کنیم. بعد مرحله آخر جراحی. آنکه رادیوتراپی است و ممکن است ذی نفع باشد می گوید نه. اول رادیوتراپی بکنیم. بعد شیمی درمانی بکنیم. بعد جراحی. حالا یک جراح باشد می گوید آقا اصلاً، بیخود رادیوتراپی را اول نگذاری. بگذاری اول من بروم آنجا توده را در بیاورم. بعد شما بیایید برای باقی مانده اش رادیوتراپی بکنید. در رابطه با تورم، در رابطه با اشتغال، در رابطه با مسئله ی نمی دانم ایکس و ایگرگ تمام اینها علمش وجود دارد. کتابش وجود دارد. پژوهش اش صورت گرفته است. مستنداتش هست. همه چیز معلوم است. نقطه ضعف هایش معلوم است. نقطه قوت هایش هم معلوم است. مشکل الان در سیستم ما این است که نهادها یا آدم های خاص ذی نفع هستند و آن درمان اصلی را نمی خواهد انجام بدهد. احتمالاً در ایران اولویت یک برای تورم مثلاً حجم نقدینگی است. اولویت دو یارانه های پنهان است، اولویت سه فلان است اولویت چهار به همان است. این هم راه حل است. من سر همین مورد خاصی که گفتید بگویم که ببینید روی کار شده است. در زمان دولت آقای روحانی که می خواست بنزین گران شود، ما رفتیم یک پژوهشی را خواندیم دیدیم از زمان آقای خاتمی و از زمان آقای رفسنجانی،

فرضاً این جوری در بولتن منعکس می شود که بله حزب اراده ی ملت ایران باز هم در مورد زنان همان حرف های قبلی اش را تکرار کرده یا باز همان غره های همیشگی اش را زده است. بنابراین الان به طور مؤثر ما هیچ نقشی نمی توانیم ایفا کنیم.

برگردم به سؤالی که پرسیدید در مورد حقوق زنان. ما در این زمینه فعالیت هایی داشته ایم. سمینار برگزار کرده ایم. مقاله برایش کار کرده ایم. در نشریه ی خودمان مطلب چاپ می کنیم. هر جا دستان برسد اشاره می کنیم. ولی عملاً کار مؤثری در رابطه با حقوق زنان انجام نمی دهیم. در تشکیلات حزبی مان چرا. در تشکیلات حزبی کارگاه می گذاریم برای خانم ها، مسائل را موشکافی می کنیم. همین لایحه مثلاً بلافاصله برایش کارگروه تشکیل می شود. زنان حزبی دور هم جمع می شوند و در مورد آن بحث می کنند. جزئیاتی که معمولاً یک چشم عادی نمی بیند آنجا بررسی می کنیم که چه است؟ یا مثلاً چرا روزنامه ی کیهان دارد الان با این لایحه مخالفت می کند. تسنیم چه می گوید. بچه های مثلاً روزنامه ی جوان از چه زاویه ای مخالف اند. آقای خسروپناه از چه زاویه ای موافق است؟ تمام اینها داخل حزبمان در کمیته یا کارگروه زنان مان بررسی می شود. موشکافی می شود. اطلاعات بچه های خودمان بالا می رود ولی آن چیزی که بخواهد اثر داشته باشد انجام نمی گیرد.

نیروهای برتر حزب ما تأیید نمی شوند

کمی درباره انتخابات صحبت کنیم. آقای دکتر چند نفر ثبت نام کردند از حزب شما در سال ۱۳۹۸؟

ابتدا یک نکته را برایتان بگویم همین الان ده تا خانم در مجلس هستند، شما خانم با مانتو و روسری می بینید در آنجا؟ نه. خانم بدحجاب در آنها می بینید؟ نه. خوب پس نماینده ی بدحجاب ها کی است؟ هیچ کس. ببینید به این معنی می گویم حکومت ما را در قدرت سهیم نمی کند. یعنی به هر حال ده درصد از جامعه فرض کنید بگوئیم کمش، ده درصد بدحجاب داریم. خوب پس ده درصد کو در مجلس؟ نیست. یعنی سیستم یک فیلتر گذاشته که دیگر مردم از رساندن پیام گذشته اند. می گویند آقا پیام ما رسید. حالا من خودم باید بروم بنشینم در مجلس یک کاری بکنم. خوب خودش هم نمی تواند برود. پس می آید در خیابان اعتراض می کند. پس یکی از چیزهایی که ما از این بن بست در می آورد این است که حکومت اگر واقعاً مدعی مشارکت مردم هست، در را باز کند تا مردم مشارکت کنند. من مطمئنم اگر الان در انتخابات بعدی یک خانم کم حجاب شرکت بکند در تهران، رأی می آورد. ولی سیستم در را بسته است. حالا چه به دلایل ایدئولوژیک، چه به دلایل منافع خودش. مردم هم تا یک جایی در می زنند. بعد از یک مدت مشت می زنند. وقتی شما از در زدن خسته بشوید مجبوری ذاتاً یک واکنشی دیگر نشان بدهی و دارد الان روز به روز تعداد آنهایی که در می زنند و جواب مناسب را نمی گیرند افزایش پیدا می کند.

در مورد انتخابات؛ ما در هر دو انتخابات اخیر چه مجلس و چه شوراها حضور داشتیم. در انتخابات مجلس ما نهایتاً بیست درصد نامزدهایمان به تأیید صلاحیت نهایی رسیدند. خود آقای حکیمی پور را رد صلاحیت کردند. یعنی به عنوان نماد حزب ما، خود آقای حکیمی پور اجازه شرکت پیدا نکردند. در انتخابات شوراها ی شهر و روستا آمارمان بهتر بود. یعنی حدود هفتاد درصد نیروهایی که معرفی کردیم را تأیید صلاحیت کردند.



دو هفته نامه غیربرخط اراده ملت

ویژه نامه انتخابات و احزاب

ویژه نامه شماره ۴
ضمیمه نشریه ۶۸
۲۵ مرداد ماه سال ۱۴۰۲

را هم بلد هستند ولی نمی‌خواهند انجامش بدهند. برای همین من سؤال شما را یک سؤال بالکل اشتباه می‌دانم؛ چون کاملاً معلوم است که با گران کردن بنزین، مسئله تورم ما حل نمی‌شود. دفعات قبل هم دیدید. راه‌حل‌های دیگری دارد که انجامش نمی‌دهند.

ولی عملاً کار مؤثری در رابطه با حقوق زنان انجام نمی‌دهیم

در بحث حامل‌های انرژی هم این قدر گزارش خوب و سطح بالای آکادمیک وجود دارد که اگر می‌خواهید حتی گرانش کنید چطور این کار را انجام بدهید. ولی آن کسی که فرمان دستش است، اصلاً دنبال این داستان نیست که تورم را پایین بیاورد. مطمئن باشید تورم دارد به یک لایه‌هایی از جامعه سود می‌رساند و گرانه کنترلش می‌کردند. پس چطور بقیه‌ی چیزهایی که فکر می‌کنند ضرر است سریع کنترل می‌شود این یک مورد را گیر کرده‌اند.

و نهایتاً در مورد رسانه‌های حزب توضیح می‌دهید.

حزب اراده ملت ایران یک نشریه دارد که الان به صورت دو هفته‌نامه و در فرم الکترونیکی منتشر می‌شود و تا الان ۶۵ شماره از آن منتشر شده‌است. همین نشریه نیز یک سایت دارد که تمام مطالب نشریه روی آن قرار می‌گیرد. معمولاً روزانه حدود ۳۰۰ تا ۵۰۰ مراجعه‌کننده دارد.

سایت اصلی حزب نیز که مستندات و اطلاعات اصلی حزب بر روی آن قرار دارد، به‌روز است و معمولاً روزانه ۱۰۰ تا ۲۰۰ نفر بازدیدکننده دارد. علاوه بر اینها حزب در فضای مجازی و پیام‌رسان‌های داخلی و خارجی فعالیت دارد و مطالب نشریه و مستندات حزبی در آنها منعکس می‌گردد.

حزب اراده ملت یک مؤسسه انتشاراتی نیز دارد که تاکنون ۲۱ عنوان کتاب به چاپ رسانده است و هم در نمایشگاه کتاب امسال و هم در نمایشگاه کتاب سال قبل حضور داشته است.

ده‌ها بار گفتند که آقا قیمت ثابت برای بنزین نگذارید. این را دیگر هر بچه‌ی کارشناسی اقتصاد هم می‌داند. قیمت ثابت گذاشتن پنج سال جواب می‌دهد بعد از پنج سال دوباره همین بساط است. آقا این قیمت باید نسبتی داشته باشد با قیمت خلیج فارس. مثل همه‌ی کشورهای دنیا که قیمت بنزین را حالا هفتگی یا ماهانه تغییر می‌دهند. چه کسی در ایران مانع از این می‌شود قیمت بنزین را این‌جوری تعیین کنند. حتماً یک کسی وجود دارد که اجازه تصمیم‌گیری را نمی‌دهد و گرانه زمان دولت روحانی آن همه هزینه پرداخت شد برای اینکه قیمت بنزین برود بالا. این داستان در همه چیز هست.



یعنی من قاطعانه معتقدم گرچه مسائل ایران خیلی پیچیده است و مسائل پیچیده هم راه‌حل‌های پیچیده دارد ولی این راه‌حل‌های پیچیده لااقل بیش از نود درصدشان الان معلوم است. همان‌طور که در پزشکی ما راه‌حل‌هایمان معلوم است کار ندارم جواب می‌دهند یا نمی‌دهند. اصلاً با جواب مثبتش کار ندارم. بیمار سرطان می‌گیرد و ممکن است نهایتاً بمیرد ولی راه‌حل‌ها معلوم است. در ایران آگاهانه، عمدانه و خیلی خیلی هوشیارانه نمی‌خواهند آن راه‌حل انجام بشود. و گرانه حزبی کردن نظام انتخاباتی کار یک ماه است. مشارکت دادن مردم در قدرت کار دو ماه است. اصلاح سیستم نظارت بر مطبوعات کار مثلاً یک هفته است. همه اینها اصلاً مشخص است. لازم نیست شما انرژی عجیب غریبی بگذارید. به‌راحتی کار معلوم است.

داخل سیستم حاکمیتی فعلی باندهایی از قدرت، باندهایی از ثروت وجود دارد که جلوی آن کار خیلی خیلی معلوم و واضح را گرفته است؛ بنابراین ما اینجا با آدم‌هایی روبه‌رو هستیم در سیستم‌مان که روش علمی را می‌دانند، داستان



دو هفته نامه غیربرخط
اراده ملت

ویژه نامه انتخابات و احزاب

ویژه نامه شماره ۴

ضمیمه نشریه ۶۸

۲۵ مرداد ماه سال ۱۴۰۲



انتخابات حزب اراده ملت ایران



انتخابات حزب اراده ملت ایران



انتخابات حزب اراده ملت ایران



انتخابات حزب اراده ملت ایران



انتخابات حزب اراده ملت ایران